

بلیغ

جاء الحق
وزهق الباطل
إن الباطل
كان زهوقا



- ♦ پیام تسلیت معظم له به مناسبت رحلت حجت الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی (قدس سره)
- ♦ فایده وجود حکومت اسلامی در کلام امام علی علیه السلام
- ♦ مقاله: معضل اشتغال
- ♦ سیری در کتاب «پیدایش مذاهب»
- ♦ آشنایی با موسسه خیریه ۱۱۰ مسجد
- ♦ رونمایی از نرم افزار ویندوزفون "مفاتیح نوین"
- ♦ رونمایی از نسخه های جدید نرم افزارهای اندروید

پرونده ویژه: بازخوانی پیام های حماسه ۹ دی
پرونده ویژه: حماسه آتش نشانان درگستره ایثار و فداکاری



صاحب‌امتیاز: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی (مدینه اعلی) نشانی: قم، خیابان شهداء، کوی ممتاز کوچه شماره ۷، پلاک ۳۶ وبگاه: makarem.ir پست الکترونیک: info@makarem.ir تلفن: ۰۲۵۲۷۷۴۳۳۳۱-۳۷۷۴۳۸۱۹ نمابر: ۰۲۵۳۲۷۸۳۹۹۳۴



- ۲ فهرست
- ۳ طلایه سخن
- ۴ پیام‌ها و بیانات
- ۵ دیدارها
- ۶ گزیده سخنان
- ۸ درس
- ۱۰ فن آوری اطلاعات
- ۱۲ یادداشت
- ۱۸ پرونده ویژه
- ۲۶ مقاله
- ۲۸ معرفی کتاب
- ۳۱ مؤسسات وابسته
- ۳۲ معارف اسلامی
- ۳۴ سؤالات شرعی
- ۳۶ حماسه آتش نشانان

طلایه سخن

تحقق شکوهمند انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) موجب شد تا تبیین ابعاد و زوایای مختلف چگونگی پیروزی مردم بر رژیم پهلوی و قدرت‌های استکباری مورد واکاوی همه محققان و صاحب نظران قرار گیرد، و از آنجا که انقلاب اسلامی ایران از عمق استراتژیک اعتقادی و دینی در شالوده حرکت عظیم مردم بر علیه شاه برخوردار است، لذا همه مورخان و صاحب نظران، خیزش عظیم ملت ایران در بهمن ۵۷ را بر محور مولفه‌های دین خواهی، آموزه‌های استکبار ستیزانه و قیام ملت مسلمان علیه اقدامات ضد دینی حکومت پهلوی تبیین نموده‌اند.

در این میان، مردم علیرغم حصول برخی پیشرفت‌های ظاهری و تجدد مآبانه (بخوانید) وابستگی به اقتصاد نفتی و مصرف‌گرایی) به ویژه در دهه ۵۰، لیکن با تحمل مصائب مختلف در راه تحقق پیروزی انقلاب اسلامی کوشیدند و با تبعیت از علما و فقهای شیعی به ویژه امام خمینی(ره) به عنوان مرجعیت دینی و ولی فقیه جامعه اسلامی، التزام خود را به آموزه‌ها و ارزش‌های دینی به منصفه ظهور رساندند.

در تبیین این مسأله باید به تجدد گرایی و نوسازی سریع وارداتی ایران در دهه ۵۰ اشاره کرد، افزایش قیمت نفت از ۴ دلار به ۳۰ دلار در آن برهه از زمان، ثروت هنگفتی نصیب رژیم پهلوی نمود که بذل و بخشش‌های محمد رضا پهلوی به دولت‌های غربی را به همراه داشت، در برخی از مراکز استان‌های مهم کشور به ویژه برخی مناطق اعیان نشین تهران نمادهای تجدد گرایی رشد قابل توجهی یافت، دسترسی سریع به واردات بی رویه و ارزان کالاها به نحوی بود که همه مواد مصرفی از خارج از کشور تأمین می‌شد؛ لذا نابودی تولید داخلی و افزایش بی‌حد و حصر بیکاری در کشور غیر قابل اجتناب گردید، از سوی دیگر ترویج مصرف‌گرایی در جامعه، تشدید فاصله طبقاتی و فساد وحشتناک رژیم شاهنشاهی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ... رقم زد.

با همه این تفاسیر آمریکا گرایی، ثروت‌بادآورده ناشی از فروش نفت ۳۰ دلاری و... رژیم پهلوی را از اقتدار حبابی در منطقه برخوردار کرد، لیکن پیشرفت ناقص و

تقلید وار در برخی مظاهر تمدنی و غربی نیز نتوانست از عمق استراتژیک انقلابی‌گری، اسلام خواهی و سنت‌گرایی مردم بکاهد، بلکه بر خلاف شاه پهلوی که پس از فراز ذلت بار از ایران، با تمسک به برخی اقدامات تجدد گرایی خود در احداث فرودگاه و دانشگاه... ملت را ناسپاس و نمک‌نشناس خواند، لیکن حقیقت این است که همدلی عمیق و راهبردی میان روحانیت و مردم آنچنان برجسته و بی‌بدیل بود که پیروی مطلق مردم از علمای و فقهای اسلامی به ویژه امام خمینی(ره) به پیروزی عظیم و شکوهمند انقلاب اسلامی منتهی گردید.

بنابراین دین‌مداری و تلاش برای استقرار حکومت اسلامی به عنوان مقدمه‌ای برای حکومت جهانی حضرت مهدی موعود (عج) مهمترین دغدغه‌ای بود که با تبعیت و پیروی مردم از روحانیت مروج اسلام اصیل و حرکت در مسیر ولی فقیه جامعه اسلامی به عنوان نایب عام امام زمان(عج) به پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی رهنمون گردید؛ یعنی همان مقوله‌ای که شاه و اربابان غربی و آمریکایی‌اش، از درک آن عاجز ماندند.

اینگونه است که در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب، رسانه‌های غربی با طرح برخی شائبه‌های سخیف و توهین‌آمیز به امام(ره) و دیگر علما و مراجع معظم تقلید و مردم سعی در تحریف انقلاب اسلامی گرفتند و نویسندگان و اندیشمندان غربی با الهام از سیطره سکولاریسم بر جوامع غربی و نقش متزلزل نهادهای دینی و عجز ناتوانی متولیان دینی مسیحیت در هدایت بخشی جامعه غربی، در راستای تسری این نقیصه به مبانی معرفتی نظام اسلامی به ویژه تضعیف نقش روحانیت در پیروزی تاریخی مردم در انقلاب اسلامی ایران برآمدند، لذا در واکاوی نقش بی‌بدیل روحانیت به ویژه امام خمینی(ره) و دیگر فقهای عظام در پیروزی انقلاب اسلامی به بیراهه رفتند و قدرت طلبی و جمع‌آوری ثروت را به عنوان عامل انگیزشی! روحانیون و علمای اسلامی در پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ برشمردند؛ یعنی همان تصویری که «هنری لوساکس» در کتاب تاریخ تمدن درباره وضعیت حاکم بر کلیساها ارائه کرده و گفته است: «دارایی‌های دنیوی و مناسبات

سیاسی‌ای که بر اثر دارایی‌ها گسترش می‌یافت، کلیسیاییان را به فساد آلود...» [۱] وجود چنین ذهنیتی در میان مورخان غربی

موجب شد تا پدیده‌ای شگرف به نام انقلاب اسلامی برای جوامع غربی قابل درک نباشد و حتی هر روز بر توهمات آنها افزوده شود به نحوی که در پیش‌فرض‌هایشان نسبت به نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی به تحریف و تخریب روی آوردند. از سوی دیگر عناصری هم چون لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، در خاطراتش چنین می‌نویسد: «در تمام شهرهای ایران عده کثیری مجتهد و ملای دانشمند وجود دارد که در راستی و درستکاری آنها هیچ شکی نیست و اغلب مورد پشتیبانی و احترام عامه مردم قرار دارند و همگی با جان و دل به اجرای دستوراتشان گردن می‌نهند. بعضی از آنها به قدری در اعمال و رفتارشان وسواس دارند که حتی از تفسیر احکام و قضاوت شرعی نیز خودداری میکنند تا مبادا از این بابت مرتکب قصور و بی‌عدالتی شوند.» [۲]

بدیهی است مواضع پارادوکسیکال میان پیش‌فرض‌های مادی نویسندگان غربی مبنی بر وجود قدرت طلبی در روحانیت شیعه با اعتراف برخی تاریخ‌نویسان غربی که به حق بر نفوذ اجتماعی عالمان شیعی در میان مردم و نیز رقابت مراجع معظم تقلید در بی‌اعتنایی به مواهب و قدرت‌های مادی تأکید کردند به نوبه خود غرض ورزی دین ستیزان غربی و تلاش قدرت‌های استکباری در تحریف دین و تضعیف جایگاه روحانیت را هویدا می‌سازد که البته توهمات اسلام ستیزان برای نادیده‌انگاری ماهیت دینی در پیروزی انقلاب اسلامی کماکان ادامه دارد و این دور باطل در غرب همچنان از سوی برخی اندیشمندان و سیاستمداران غربی به گوش می‌رسد.

در خاتمه باید گفت تقویت دوباره هم‌دلی میان مردم(امت) و روحانیت [۳] به مانند یوم‌الله ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بر مبنای نظریه ولایت فقیه، به عنوان بازوی اجرایی تحقق دموکراسی امامتی (امامت و انسان کامل)، خواهد توانست کارآمدی و ابرقدرتی روز افزون انقلاب اسلامی ایران در مقابل دموکراسی لیبرالی و نظریه موهوم جهانی شدن [۴] به منصفه ظهور رساند.

[۱] هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۸۳۱.

[۲] خاطرات لیدی شیل، ص ۱۱۷.

[۳] «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم» (وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ص ۱۰۱).

[۴] Globalization



طلاب و فضلاء مدارس علمیه بناب، تهران و کرمان



علمای اهل سنت



سردار اشتری فرمانده کل نیروی نظامی



رئیس کمیته امداد امام خمینی (رحمت الله علیه)



دادستان کل کشور



اساتید دانشگاه فرانسه



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



سازمان هنری رسانه ای اوج



پیام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی به مناسبت فقدان اسفناک حجت الاسلام و المسلمین آقای شرعی (رحمت الله علیه)

بسم الله الرحمن الرحيم

با نهایت تأسف خبر فقدان عالم ربانی حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی شرعی (رحمت الله علیه) را دریافت داشتیم. آن فقید سعید از پیشگامان انقلاب و عضو فعال جامعه مدرسین و از افراد بسیار پرتلاش بود و در راه انقلاب، لحظه‌ای از تلاش باز نمی‌ایستاد و دلسوزانه و پیوسته در فکر پیشرفت انقلاب اسلامی بود.

آن فقید سعید در برابر مظاهر منکرات بسیار حساس بود و در مبارزه با مفساد اخلاقی و شرعی هیچ گاه کوتاهی نمی‌کرد.

به همین دلیل مرحوم آقای شرعی اصرار بر تأسیس دانشکده پزشکی مخصوص خواهران داشت و موفق به انجام آن شد، هرچند مدتی بعد مخالفان بر سر راه آن موانعی ایجاد کردند.

اینجانب این فقدان اسفناک را به جامعه محترم مدرسین و همه دوستان و علاقمندان ایشان مخصوصاً بیت شریفشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات برای آن مرحوم و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه بازماندگان، مخصوصاً فرزندان محترم ایشان از درگاه خدا خواستارم.



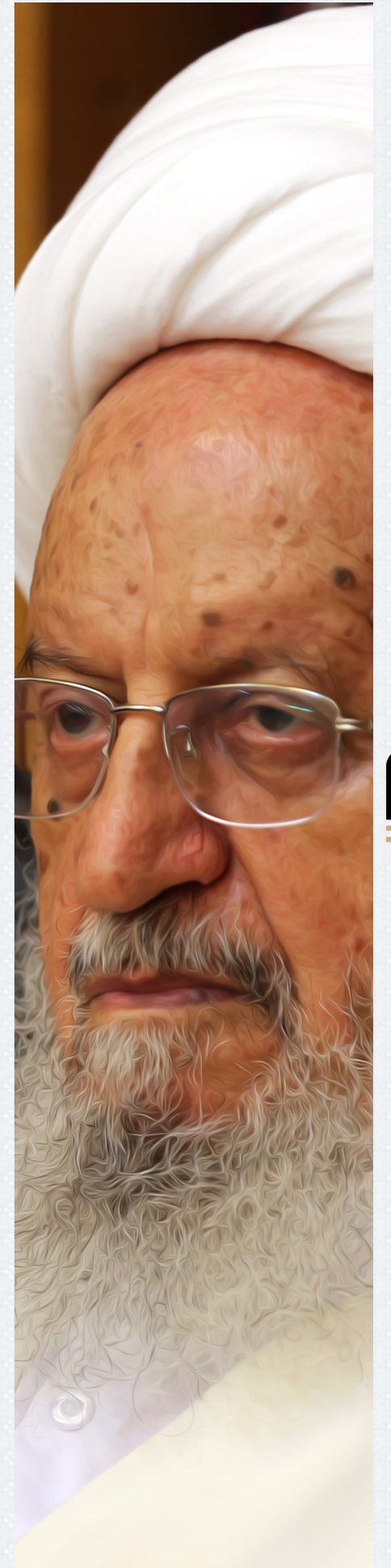
پیام تسلیت معظّم له به مناسبت رحلت حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی (قدس سرّه)

بسم الله الرحمن الرحيم

با نهایت تأسف خبر فقدان ناگهانی مجاهد نستوه مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی را دریافت داشتم. اینجانب ایشان را از آن زمان که در حوزه‌ی درسی ما شرکت داشت به خوبی می‌شناختم. مردی بسیار جدّی، باهوش، شجاع و صاحب اراده بود.

سال‌ها در خدمت امام راحل (رحمت الله علیه) فداکاری کرد و بعد از ایشان نیز دائماً در صحنه انقلاب بود. مشکلات مختلفی را پشت سر گذاشت ولی این مشکلات هرگز سبب نشد که صحنه را ترک کند.

اینجانب درگذشت این یار وفادار انقلاب را به همه هموطنان ایرانی و به‌ویژه بازماندگان آن فقید سعید تسلیت می‌گویم و غفران الهی را برای او و هم‌هی ما از خداوند می‌طلبیم.



- ۱۳۹۵/۱۰/۰۲  امروز فرهنگ بسیج در حال صدور به دیگر کشورهاست
- ۱۳۹۵/۱۰/۲۰  آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هرگز صحنه انقلاب را ترک نکرد
- ۱۳۹۵/۱۰/۱۹  «عقیم‌سازی زنان و مردان معتاد کارتن‌خواب» سخنی باطل است و باید به جای این کار با برنامه ریزی مشکلات را حل کرد و برای جلوگیری از خطرات راه های دیگری اندیشید.
- ۱۳۹۵/۱۰/۰۲  حضرت خدیجه (سلام الله علیها) الگوی ارزنده برای زنان و مردان و بانوی مظلومه هستند.
- ۱۳۹۵/۱۰/۲۲  حقوق‌های نجومی وجدان جامعه را جریحه دار کرده است.
- ۱۳۹۵/۱۰/۱۳  آیت الله شرعی در راه انقلاب لحظه‌ای از تلاش باز نمی‌ایستاد/ آن فقید سعید پیوسته در فکر پیشرفت انقلاب بود.
- ۱۳۹۵/۱۰/۰۱  مسئولان برای فضای مجازی دل بسوزانند/ راه اندازی شبکه ملی، درمان این مشکل است.
- ۱۳۹۵/۱۰/۱۶  شورای عالی فضای مجازی دلسوزانه کار نمی‌کند/ پدیده فضای مجازی بزرگترین معضل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی امروز است.
- ۱۳۹۵/۱۰/۲۱  مروج امر به معروف و نهی از منکر باشید/ با ارائه مطالب خرافی اصل دین را زیر سوال نبرید.
- ۱۳۹۵/۱۰/۱۱  نشر معارف اسلامی در دنیای تشنه امروزی فراتر از واجب کفایی است.
- ۱۳۹۵/۱۰/۰۸  اشک سیاستمداران دنیا برای کودکان حلب منافقانه است.
- ۱۳۹۵/۱۰/۱۴  انتشار فایل صوتی آیت الله منتظری یک حرکت انتقامی بود.
- ۱۳۹۵/۱۰/۱۸  قرآن کریم باید از مهجوریت خارج شود
- ۱۳۹۵/۱۰/۰۲  تفکر بسیج در حال صدور است؛ جوامع غربی از گسترش آن عصبانی هستند
- ۱۳۹۵/۱۰/۳۰  گره زدن سرنوشت کشور به برجام «عیب» و «اشتباه» است.
- ۱۳۹۵/۱۰/۲۹  مهاجرت معکوس در حوزه صحیح نیست / مدیران حوزه به فکر تقویت مدارس علمیه شهرستان‌ها باشند
- ۱۳۹۵/۱۰/۱۴  لزوم تشکیل گروه خیرین برای توسعه پایگاه تشیع در جهان



احکام شرکت - جلسه پنجاه و یکم

بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می فرماید: اُرَبِي الرَّبَا شَتَمَ الْأَعْرَاضِ وَأَشَدَّ الشَّتَمِ الْهَجَاءُ وَالرَّأْيَةُ أَحَدُ الشَّامِيِّينَ.

۹۵/۱۰/۰۱

احکام شرکت - جلسه پنجاه و دوم

فسخ شرکت بعضی در مسأله ی سیزدهم اشکالی به نظرشان رسید که پاسخ متقنی برای آن وجود دارد. مسأله ی سیزدهم درباره ی فسخ شرکت است. ۹۵/۱۰/۰۴

احکام شرکت - جلسه پنجاه و سوم

اختلاف در شرکت چهارده مسأله ی تحریر در مورد شرکت تمام شده است. در اینجا مسائلی در عروه و یا جواهر و کتاب های دیگر وجود دارد که امام قدس سره آنها را ذکر نکرده است ما در میان آنها مسائلی که مورد ابتلاء است را اضافه می کنیم و بعد از آن به سراغ انواع شرکت هایی می رویم که جدیداً در دنیا تأسیس شده و مشروعیت و عدم مشروعیت آنها را بررسی می کنیم. ۹۵/۱۰/۰۵

احکام شرکت - جلسه پنجاه و چهارم

بررسی یک نمونه از شرکت مسائلی را صاحب عروه و دیگران در مسائل شرکت اضافه کرده اند که در تحریر الوسيله نیست. ۹۵/۱۰/۰۶

احکام شرکت - جلسه پنجاه و پنجم

انواع مالکیت ها به مناسبت کتاب شرکت وارد بحث در شرکت هایی شدیم که امروزه متداول شده است که باید دید که کدام یک از آنها با موازین شرع سازگار است و کدام نیست. ۹۵/۱۰/۰۷

احکام شرکت - جلسه پنجاه و ششم

بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می فرماید: أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجَعُ وَالْعِدَاوَةُ وَالنَّارُ. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در این حدیث به چهار چیز اشاره می کند که حتی کم آن نیز زیاد است. علت آن این است که این چهار مورد، مسری است و سرایت می کند. ۹۵/۱۰/۰۸

احکام شرکت - جلسه پنجاه و هفتم

مالکیت شخصیت حقوقی بحث در کتاب الشركة به شرکت هایی رسید که جدید تأسیس شده است و باید احکام آنها را طبق موازین شرع دانست. ۹۵/۱۰/۱۱

احکام شرکت - جلسه پنجاه و هشتم

پاسخ به کسانی که مالکیت دولت را منکر هستند بحث در مورد شرکت های جدید تأسیس است و به مناسبت آن مقداری در مورد شخصیت حقوقی که پایه ی اصلی این شرکت ها است بحث کردیم. همچنین مقداری در مورد مالکیت دولت که یکی از این شخصیت های حقوقی است سخن گفتیم. ۹۵/۱۰/۱۲

احکام شرکت - جلسه پنجاه و نهم

خلاصه ی مباحث قبلی بحث در شرکت به شخصیت اعتباری رسید و به مناسبت به مسأله ی مالکیت دولت پرداختیم که آیا مالک می شود یا نه و ادله ی قائلین به ملکیت و منکرین آنها را بحث کردیم. ۹۵/۱۰/۱۳

احکام شرکت - جلسه شصتم

انواع شرکت های جدید و شرکت تضامنی به مناسبت کتاب الشركة بحث به شرکت هایی رسیده است که در ایام ما متداول شده است. اولین تقسیمی که داریم این است که شرکت گاه بین اشخاص است که به آن «شركة العنان» می گویند که سرمایه های خود را با هم جمع کرده معاملات را انجام می دهند. این شرکت، شخصیت قانونی ندارد. ۹۵/۱۰/۱۴

احکام شرکت - جلسه شصت و یکم

بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در روایتی به سه نکته ی بسیار مهم اشاره کرده می فرماید: إِنْ الرَّجُلَ لِيَحْرَمَ الرَّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ وَ لَا يَرِدُ الْقَدْرَ إِلَّا الدَّعَاءُ وَ لَا يَزِيدُ فِي الْعَمْرِ إِلَّا الْبُرْ. ۹۵/۱۰/۱۵

احکام شرکت - جلسه شصت و دوم

شرکت تضامنی بحث در شرکت های جدید است که اولین آنها شرکت تضامنی است. در این شرکت، افراد شریک متضمن می شوند که اگر شرکت ورشکست شد از اموال خود خسارت ها را بپردازند یعنی هنگامی که شرکت تشکیل می شد آنها برای پرداخت خسارت های احتمالی ضمانت می کردند. ۹۵/۱۰/۱۸

احکام شرکت - جلسه شصت و سوم

شرکت تضامنی بحث ما به مناسبت شرکت تضامنی به اینجا رسید که ادعای اجماع شده است «ضمان ما لم يجب» جایز نیست. بعد مشاهده کردیم که علماء در مواردی از این قاعده عدول کرده اند و در جایی که ذمه ای نیست قائل به ضمان شده اند. ۹۵/۱۰/۱۹

احکام شرکت - جلسه شصت و چهارم

بحث اخلاقی: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در نهج الفصاحه می فرماید: لَيْسَ بِخَيْرِكُمْ مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِلدُّنْيَا حَتَّى يَصِيبَ مِنْهُمَا جَمِيعًا فَإِنَّ الدُّنْيَا بِلَاغٍ إِلَى الْآخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا كَلَّا عَلَى النَّاسِ ۹۵/۱۰/۲۲

احکام شرکت - جلسه شصت و پنجم

شرکت تضامنی نسبی و شرکت با مسئولیت محدود سخن در شرکت های جدید تأسیس است و امروز به سراغ دومین شرکت می رویم که شرکت تضامنی نسبی نام دارد. ابتدا معنای آن را ذکر می کنیم و بعد از نظر شرعی آن را بحث می کنیم که آیا قابل قبول است یا نه. ۹۵/۱۰/۲۵

احکام شرکت - جلسه شصت و ششم

شرکت با مسئولیت محدود و شرکت سهامی خاص و عام بحث در انواع شرکت های جدید است که کدام جنبه ی شرعی دارد و کدام ندارد. ابتدا هفت شرکت را بحث می کنیم و بعد به سراغ تعاونی ها می رویم و آن را در بحث جداگانه ای مطرح می کنیم. ۹۵/۱۰/۲۶

احکام شرکت - جلسه شصت و هفتم

شرکت های نوظهور بحث در شرکت های نوظهور است و پنج شرکت از آن شرکت ها را بحث کردیم. ۹۵/۱۰/۲۷

احکام شرکت - جلسه شصت و هشتم

شرکت های جدید تأسیسی و تعاونی ها بحث ما در شرکت های نوظهور عصر ماست که از نظر مشروعیت دینی آنها را مورد مطالعه قرار می دهیم. هفت نوع شرکت تجاری معروف را ذکر کرده، مشروعیت آنها را بررسی کرده ایم. ۹۵/۱۰/۲۸

احکام شرکت - جلسه شصت و نهم

بحث اخلاقی: پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حدیثی کوتاه و بسیار پر معنی، بدترین مردم را معرفی می کند و سپس بدتر از بدترین و سپس بدتر از آن را بیان می کند و می فرماید: أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ؟ مَنْ أَكَلَ وَحْدَهُ وَ مَنَعَ رَفْدَهُ وَ سَافَرَ وَحْدَهُ وَ ضَرَبَ عِبْدَهُ، أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟ مَنْ يَخْشَى شَرَّهُ وَ لَا يَرْجِي خَيْرَهُ أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مَنْ هَذَا؟ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا بِالدِّينِ. ۹۵/۱۰/۲۹



رونمایی از نرم افزار ویندوز فون مفاتیح نوین



در این نرم افزار متن کتاب مفاتیح نوین با فهرست موضوعی همان کتاب ارائه شده که دارای امکانات به روز می باشد.

در طول تاریخ شیعه جمعی از بزرگان به گردآوری دعاها و زیاراتی که از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه هدی علیهم السلام صادر شده، پرداخته اند تا همه عاشقان راز و نیاز با خدا و شیفتگان زیارت اولیاءالله را از این چشمه جوشان معنویت، سیراب سازند.

هر یک از این بزرگان در عصر خود رسالت خویش را در زمینه دعا به نحو احسن انجام دادند تا این که نوبت به مرحوم ثقة المحدثین حاج شیخ عباس قمی رحمه الله علیه (متوفای ۱۳۵۹ ق) رسید؛ ایشان با ذوق سرشار و سلیقه بسیار خوب و احاطه وسیعی که بر آثار اهل بیت علیهم السلام و کتب دعا و زیارات سابقین داشت، به تألیف کتاب جامع «مفاتیح الجنان» پرداخت و روی خلوص نیتی که این محدث عالیقدر از آن برخوردار بود، در مدت کوتاهی، کتابش جهانگیر شد و به همه مساجد و خانه ها، راه یافت و همگان از رشحات قلم این عالم با اخلاص سیراب شدند.

ولی از آن جا که این کتاب مانند بسیاری از کتاب ها برای شرایط زمانی و مکانی خاصی نوشته شده بود و مخاطبان ویژه ای داشت، لازم بود در عصر و زمان ما مورد تجدید نظر وسیع قرار گیرد؛ کاستی ها برطرف گردد، و از پاره ای از مطالب اضافی که مایه ایراد بدخواهان است صرف نظر شود؛ مدارک و منابع دعاها و زیارات و... افزوده گردد؛ رمز و راز، فلسفه، آثار و برکات دعاها و زیارات یادآوری شود؛ سپس نظم نوینی به آن داده شود و در مجموع کتاب دعا و زیارتی که از هر نظر جامع و متناسب عصر و زمان ما - مخصوصاً برای نسل جوان خداجو - باشد، فراهم گردد.

از این رو معظم له ضمن درخواست توفیق از خداوند منان و پس از مطالعه کافی در این زمینه از دو نفر از فضلاء گرانقدر، باذوق، مخلص و پرکار حوزه علمیه، یعنی: استادان ارجمند، حجج اسلام آقایان سعید داودی و احمد قدسی برای کمک و همکاری دعوت نموده و با نظارت ایشان کتاب گرانقدر مفاتیح نوین به منظور تحقق اهداف فوق تدوین شد.

در این نرم افزار متن کتاب مفاتیح نوین با فهرست موضوعی همان کتاب ارائه شده که دارای امکانات زیر است:

نمایش فهرست مفاتیح بر اساس کتاب مفاتیح نوین

قابلیت جستجو در عناوین ادعیه و زیارات با امکان افزودن به فهرست علاقه مندی ها از منوی جستجو

قابلیت ایجاد فهرست برگزیده با امکان ویرایش

قابلیت تنظیم فونت متن عربی و ترجمه و همچنین عدم نمایش ترجمه برای سهولت مطالعه ادعیه نگهداری آخرین مطالعه

قابلیت حالت مطالعه روز و شب

راهنمای نرم افزار:

۱- فهرست ادعیه و زیارات:

این فهرست بر اساس فهرست کتاب بوده و به تعداد زیر شاخه های هر موضوع صفحات داخلی با شاکله فهرست وجود دارد که می توان یک عنوان دعا و یا یک موضوع را به فهرست برگزیده ها افزود.

۲- جستجو در عناوین ادعیه، اعمال و زیارات:

۳- تنظیمات:

تنظیمات نرم افزار شامل: مدیریت فهرست برگزیده ها، مشاهده آخرین

مطالعه، تنظیمات نمایش ترجمه در ذیل فراز، تنظیم نوع و اندازه فونت متن عربی و ترجمه می باشد.

۴- امکانات صفحه مطالعه:

در صفحه مطالعه امکان تغییر حالت نمایش به روز/شب، اشتراک گذاری مطلب و اضافه نمودن ادعیه و زیارات به فهرست نشان ها وجود دارد.

۵- فهرست نشان ها:

برای دسترسی به فهرست ادعیه و زیارات نشان شده می توانید از منوی تنظیمات استفاده نمایید. همچنین برای خارج کردن یک دعا / زیارت / عمل با نگه داشتن طولانی انگشت بر روی عنوان آن، مطلب نشان شده از فهرست حذف می شود.

رونمایی از نسخه های جدید نرم افزارهای اندروید

نسخه جدید نرم افزار های رساله توضیح المسائل، مناسک جامع حج، استفتائات، شبهات کلامی و مسائل مبتلابه رونمایی شد.

پس از تلاش برنامه نویسان اندروید پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی مد ظله نسخه جدید نرم افزار های رساله توضیح المسائل، مناسک جامع حج، استفتائات، شبهات کلامی و مسائل مبتلابه رونمایی شد

مهمترین تغییرات نسخه ها عبارت است از:

۱- اصلاح درختواره (استفاده از درختواره نوین و کاربردی)

۲- به روزرسانی دیتابیس

۳- جستجوی در صفحات و رنگی شدن متن جستجو شده

۴- امکان انتخاب بخشی از متن

۵- اضافه شدن تنظیمات قلم

هرگونه انتقاد یا پیشنهاد را از طریق بخش تماس با ما، یا از طریق رایانامه it@makarem.ir با ما در میان بگذارید.

مولفه های تربیت دینی در سیره امام حسن عسکری علیه السلام از منظر معظم له

اسلام دین ادب و تربیت است، و روح تعلیمات اسلام و روایات پیشوایان بزرگ دینی بر پایه تربیت دینی در زندگی تعریف شده است.

از سوی دیگر هدف از تمام برنامه های دینی، تعلیم و تربیت و تکامل انسان است، لذا همه انبیاء الهی یک هدف را تعقیب می کردند و آن سعادت انسان ها از طریق ایمان به خدا و روز رستاخیز و تعلیم و تربیت صحیح دینی و تقویت اصول اخلاقی در جوامع بشری بوده است، روزی در مکتب «نوح علیه السلام»؛ نخستین پیامبر اولوالعزم و سپس در مکتب «ابراهیم علیه السلام» بعد از مکتب «موسی علیه السلام» و سپس در مکتب «عیسی علیه السلام» و در پایان در مکتب «محمد صلی الله علیه و آله» پیامبر اسلام که در حقیقت دوره عالی و نهایی تربیت الهی است.

بسط و گسترش تربیت دینی؛ مهمترین ضرورت در جامعه اسلامی

گفتنی است به علت وجود عوامل تشویق کننده به مفاسد اخلاقی، و اباحی گری؛ که از ویژگی های عصر ماست، آسیب هایی برای جوانان و نوجوانان در حوزه تربیت دینی و در دو شاخصه آسیب های اعتقادی و آسیب های اخلاقی ایجاد شده است، که اگر روی آن کار جدی انجام نگیرد، در آینده شاهد مشکلات مهم دینی و اجتماعی و سیاسی خواهیم بود.

تفسیر نادرست از مسأله آزادی، و عدم توجه به این نکته که همیشه آزادی ها در چهارچوب ارزش هاست، عدم اطلاع رسانی صحیح و بموقع، و محروم ماندن قشر جوان و نوجوان از آموزش های مستمر و گسترده دینی واز همه مهمتر، دست های مرموز سیاست مخرب دشمنان، که برای دور کردن جوانان از حوزه تربیت و اعتقادات دینی از طرق مختلف فعالیت می کند، و معتقد است مانع اصلی نفوذ در عرصه سیاسی کشور ما، اعتقادات محکم مذهبی و

پابندی به اخلاق دینی است. و برآستی اگر آنها در کار خود موفق شوند، مانع مهمی بر سر راه نفوذشان باقی نمی ماند.

البته باید دانست در تحقق تربیت دینی، نقش خانواده برجسته تر از همه مولفه ها است. زیرا در دین مقدس اسلام، مخاطب اصلی در تربیت فرزندان، پدران و مادران هستند. و مردم هم هنگامی که با انسانی صالح و تربیت شده و مفید به حال جامعه، رو به رو می شوند، در مقام سپاسگزاری و تشکر و قدردانی، به پدر و مادر او دعا می کنند. و اگر خدای ناکرده، با شخصی ناصالح و فاسد که آسایش خود و جامعه را سلب می کند برخورد کنند، بر پدر و مادرش لعن و نفرین می فرستند و آنها را عامل این ناهنجاری می دانند.

مثلا پدران و مادرانی که در صدد تربیت فرزندانشان بر نمی آیند؛ آنها را با مسایل دینی آشنا نمی سازند؛ فرزندان را به امکان مذهبی- مانند مساجد و حسینیه ها عادت می دهند شاید فرزندی معتاد تحویل جامعه دهند که باعث نابودی خود و خانواده اش گردد! چه کسی جرعه اولیه این آتش را روشن ساخته است؟! چه کسی مواد سوخت این آتش سوزی را فراهم نموده است؟! هیچ کس، جز پدر و مادر!

و اینگونه است که افراد نادان که نه تربیت دینی یافته اند و نه عقل و خرد خویش را به کار گرفته اند مردمی خشن و بی انصاف و بی ادب و در مجموع برای جامعه مشکل آفرین می باشند؛ نه به صغیر رحم می کنند و نه از کبیر پند می پذیرند.

چه کنیم در بحث های خود دچار مرأء و جدل نشویم؟ پیامدها و راهکار ترک آن چیست؟

واژه «مرأء» به معنای گفتگوهای لجاجت آمیز و توأم با خصومت به منظور پیروزی بر حریف است هر چند حق نباشد، و سرچشمه آن تعصب و لجاجت و برتری جویی است که مانع از پذیرش سخن حق می شود.

البته گاهی در ارایه بحث ها دلایل محکم و متقن به میان می آید و طرفین بدنبال رسیدن و روشن شدن حقیقت هستند که این گونه مرأء و بحث در اسلام صحیح است. لیکن اغلب افرادی که اهل مرأء و جدال

هستند دائما در این فکرند که بر حریف خود غلبه یابند، خواه حق باشد یا باطل و به همین دلیل ضعیف ترین ادله را برای خود حجت می شمارند و محکم ترین دلیل رقیب را نادیده می انگارند و به این ترتیب دائما در بیراهه و تاریکی سیر می کنند و صبحگاهان روشن، یقین در زندگی آنها هرگز ظاهر نمی شود.

اینچنین است که به هنگام مرأء، افراد بر سر لجاجت می افتند و گاه انواع توهین ها را به طرف مقابل روا می دارند و عیوب پنهانی او را برمی شمارند و هتک حرمت می کنند، گاه درباره خودش و گاه درباره کسانی که مورد علاقه او هستند. بنابراین افرادی که علاقه مند به آبرو و شخصیت خود می باشند باید همین که بحث آنها با طرف مقابل به مرحله مرأء رسید کلام را قطع کنند و او را رها سازند.

در این زمینه، امام عسکری علیه السلام در روایتی که ابن شعبه حرانی آن را در تحف العقول نقل کرده می فرماید: «لا تمار فیذهب بهاؤک؛ مرأء نکن که شخصیت تو را از بین می برد.»

بحث های بی ثمر سیاسی حرام است

با این تفاسیر باید گفت اگر چه بحث و گفت و گوی برخی افراد همراه با دلایل محکم و متقن است، ولی طرفین بدنبال به کرسی نشاندن حرف خود، رسوا کردن دیگری، به وجود آوردن مشکلات و آبروریزی هستند که این شیوه در شرع نکوهش شده است.

این آسیب فراگیر در حالی است که مشکلات اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و علمی کشور را فرا گرفته و مسئولان باید از بحث های بی ثمر سیاسی بپرهیزند.

بدیهی است کسانی که در این بحث های سیاسی با کبر و غرور به دنبال غلبه بر دیگری، دشمنی و عداوت هستند، هرچند حرفشان حق باشد هرگز ایمان نشان کامل نخواهد شد و از خدا دورتر می شوند؛ زیرا دشمنان داخلی و خارجی به دنبال آلوده کردن فضای سیاسی کشور و بدست آوردن منافع خود هستند، لذا باید احتیاط کرد و از جدال سیاسی که کشور را ناآرام کند پرهیز کرد، امروز مشکل مردم مسائل سیاسی نیست و مسئولان باید اقتصاد، معیشت و

اخلاق جامعه را سامان دهند و این خصومت ها را کنار بگذارند.

خوش اخلاقی مهمترین شاخصه تربیت دینی در خانواده و جامعه

بی تردید محبت و دوستی با مردم کاری است فوق العاده عاقلانه، به نحوی که این-گونه رفتار مردم و کارهایی که انجام می دهند نشانه کمال محبت و دوستی است؛ لذا در مشکلات به یاری یکدیگر می شتابند و در برابر کارهای ناروا به هنگام قدرت به جای انتقام جویی عفو می کنند و با چهره گشاده با مردم روبه رو می شوند، در برابر آنها تواضع کرده، و سخنان آنها را می شنوند و به آنها احترام می گذارند مجموعه این امور و مانند آن از جمله شاخصه های عاطفی در جامعه به شمار می آید.

بدین ترتیب دوستان زیادی در سایه خوش رفتاری در جامعه پیرامونی، برای انسان پیدا می شوند، اگر آن شخص اهل کسب و تجارت باشد مشتریان او فراوان می گردند و اگر مدیر تشکیلاتی باشد افرادی که در زیرمجموعه او هستند به او عشق می ورزند و وظایف خود را به خوبی انجام می دهند، چنانچه فرمانده لشگری باشد افراد لشگر او سر بر فرمان او خواهند بود، اگر عالم و روحانی باشد مردم به او اقتدا می کنند و ارشادات و نصایحش را به گوش جان می پذیرند و چنانچه پدر و بزرگتر خانواده باشد همسر و فرزندان به او علاقه مند می شوند و محیط خانواده محیطی مملو از محبت و آرامش و همکاری خواهد بود و همچنین افراد دیگر در محیط ها و پست های دیگر.

ولی به عکس اگر انسان در برابر مردم خشن باشد و با قیافه درهم کشیده روبه رو شود، بی اعتنایی کند، تکبر بورزد، نسبت به سرنوشت آنها بی اعتنا باشد و به تعبیر قرآن «فَطَا غَلِیظَ الْقَلْبِ» باشد از اطراف او پراکنده می شوند، در میان جمع زندگی می کند ولی تک و تنهاست.

به گفته شاعر:

نهال دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
درخت دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

لذا در بحارالانوار از امام حسن عسکری علیه السلام چنین نقل شده: «من کان

الورع سجیته والکرم طبیعته والحلم خلته کثر صدیقه والثناء علیه وانتصر من أعدائه بحسن الثناء علیه؛ کسی که تقوا و ورع خوی و خصلت او باشد و جود و بخشش طبیعتش و حلم و بردباری عادتش، دوستانش بسیار می شوند و ثنا خوانانش فراوان و از این طریق بر دشمنانش پیروز می گردد».

البته نباید خوش رفتاری با مردم را با مسئله تملق و چاپلوسی اشتباه کرد که آن حساب جداگانه ای دارد و به یقین از صفات مذموم است.

اعتدال و میانه روی؛ روش شناسی بنیادین شادی و نشاط در تربیت دینی

اسلام افراط و تفریط را نشانه «جهل» و رعایت اعتدال و میانه روی را نشانه «علم» می داند، به عنوان نمونه مزاح باعث آرامش روح و رفع هموم و غموم و است از سوی دیگر می دانیم شخص پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیه السلام و بزرگان علما این گونه شوخی و مزاح مشروع را داشته اند. حتی توصیه شده در سفرها برای از بین بردن فشار مشکلات سفر مزاح بیشتر کنید.

ولی در عین حال اگر خارج از حساب و کتاب باشد ممکن است عظیم ترین مشکلات را به بار آورد. بسیاری از مزاح ها ممکن است موجب دشمنی و عداوت گردد و کینه ها را در سینه ها انباشته کند چراکه شخص مزاح کننده نمی تواند کار خود را سالم انجام دهد، در لباس مزاح بر زخم مخالفان خود نمک می پاشد و دشنه در پهلوی آنها فرو می کند.

گاهی مزاح جنبه انتقام جویی و ایذاء و آزار دیگران را ندارد اما مسائل مبتذل و رکیکی در آن مطرح می شود همان گونه که بسیاری از مزاح های عوام به این صورت است. این گونه مزاح ها شخصیت انسان را پایین می آورد و همان گونه که امام حسن عسکری علیه السلام در کلامی حکیمانه فرمود: «لا تمازح فیجتراً علیک؛ (زیاد) مزاح مکن که افراد را در برابر تو جسور می سازد (و رعایت احترام تو را نخواهند کرد)».

متأسفانه گاهی مزاح، توأم با غیبت و تهمت است که آن نیز از گناهان کبیره می باشد.

گاه بعضی از مزاح ها با اعلام خبری دروغ،

موجب اذیت و آزار، وحشت و شوک های سخت روحی می شود و حتی افرادی در این گونه مزاح ها جان خود را از دست می دهند؛ که البته این گونه خبرهای دروغ و وحشتناک در میان بعضی از افراد بی بندوبار معمول است.

گاه بعضی از مزاح ها که از فردی باشخصیت درباره افراد عادی صادر می شود زبان آن ها را می گشاید و او را هتک احترام و به او توهین می کند.

بنابراین روش شناسی شادی و نشاط در تربیت دینی اینگونه است که در مزاح همانند سائر اعمال انسان تا آنجا که به مرحله گناه نرسیده باشد مباح است، اما اگر ضمن شوخی و مزاح آبروی مسلمانی ریخته شود، یا نسبت ناروایی به کسی داده شود و یا موجب غیبت، تهمت و امثال آن گردد مسلماً حرام است (و نباید فراموش کرد که مزاح می تواند وسیله ای برای همه این گناهان گردد) اما اگر به طرز صحیح و درستی باشد و موجب سرور و خوشحالی گردد اشکالی نخواهد داشت بلکه احیاناً از لوازم حیات بشمار می رود زیرا زندگی بدون شادی و سرور غالباً قابل تحمل نیست.

از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام و بزرگان دین نیز استفاده می شود که آنها عملاً مزاح را به صورت معتدل در زندگی خود داشتند.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت آموزش مستمر با منطق و ادبیات خاص جوانان، حل مشکلات مربوط به تحصیل و کار و ازدواج جوانان، پاکسازی محیط از مراکز و عوامل فساد و همکاری تنگاتنگ تمام رسانه های جمعی، در تحقق کامل تربیت دینی جامعه، از جمله راهکارهای برون رفت از آسیب های اجتماعی در این زمینه به شمار می آید.

خداوند بزرگ را می خوانیم که به ما توفیق اصلاح محیط خانواده و مدرسه و جامعه را عنایت فرماید تا فرزندان صالح و پرهیزکار و خدوم به جامعه عرضه کنیم، و آنها طلب رحمت و مغفرت مردم را برایمان به ارمغان آورند! بارالها! نعمت ایمان و تعلیم و تربیت انبیاء را هرگز از ما سلب نفرما. «آمین یا رب العالمین»

آثار و برکات حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) از منظر معظم له

با تأمل در زندگانی و نیز تعبیر بی بدیل زیارتنامه ی آن حضرت می توان دریافت؛ حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها نزد خداوند مقام فوق العاده ای است و به صرف اینکه ایشان دختر، خواهر و عمه ی امام است بسنده نمی شود.

عظمت و مقام والای حضرت معصومه سلام الله علیها

در زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها عرضه می داریم «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة، فان لك عند الله شأناً من الشأن؛ ای فاطمه مرا در بهشت شفاعت کن چرا که در پیشگاه خدا دارای جایگاه با عظمت هستی».

اگر در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید؛ «پاره تن من در قم مدفون می شود و هر کس به زیارت او بیاید بهشت بر او واجب خواهد شد»؛ معلوم می شود کریمه اهل بیت سلام الله علیها از مقام بسیار بالایی برخوردار است.

مقام علمی حضرت معصومه سلام الله علیها

مخصوصاً درباره مقامات والای علمی حضرت معصومه سلام الله علیها برخی روایات قریب به این مضمون وارد شده است: در عصر امام کاظم علیه السلام جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند تا خدمت آن حضرت رسیده و سؤالاتشان را از او بپرسند، اما حضرت در سفر بود. به ناچار سؤالات را تحویل خانواده حضرت دادند تا در فرصتی دیگر پاسخ آن را بگیرند. به هنگام بازگشت به وطن برای خداحافظی به خانه حضرت رفتند. حضرت فاطمه معصومه سلام الله

علیها سؤالات را به همراه جواب هایش به آنها داد. شادمان به سمت وطن حرکت کردند. اتفاقاً در مسیر بازگشت امام کاظم علیه السلام را ملاقات کرده، و داستان را برای آن حضرت بازگو نمودند. امام نوشته را گرفت و مطالعه کرد. پاسخ های حضرت معصومه علیها السلام همگی صحیح بود. امام سه بار فرمود: «فداها ابوها؛ پدرش به فدایش باد.»

این سخن و تعبیر را پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای تجلیل و قدردانی از دخترش زهرا علیها السلام و مقامات او، بارها بیان فرموده بود حال پدر بزرگوار حضرت معصومه سلام الله علیها، امام کاظم علیه السلام، نیز درباره ی وی چنین جمله ای فرمود.

قم؛ حرم اهل البیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «ان لله حرما وهو مكة، وان للرسول حرما وهو المدينة، وان لنا حرما وهو بلدة قم، وستدفن فیها امرأة من اولادی تسمى فاطمة، فمن زارها وجبت له الجنة؛ خداوند حرمی دارد که مکه است، و برای پیامبر صلی الله علیه و آله هم حرمی است و آن مدینه است. و حرم امیرالمؤمنین علیه السلام کوفه است. و حرم ما اهل البیت شهر قم است. و بزودی در قم، زنی از فرزندان من به نام فاطمه دفن می شود که هر کس مرقد او را زیارت کند بهشت بر وی واجب می گردد».

امام صادق علیه السلام این سخن را قبل از تولد امام کاظم علیه السلام پدر بزرگوار حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بیان کرد. لذا روایات متعددی در مورد اهمیت قم وارد شده که آن هم به دلیل مدفن پاک حضرت معصومه سلام الله علیها و هم به دلیل حضور شیعیان از صدر اسلام در این شهر است که عش آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین بوده است.

بهشت، یاداش زائران حضرت معصومه سلام الله علیها

امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید: «إن للجنة ثمانية ابواب و لأهل قم واحد منها فطوبی لهم ثم طوبی لهم ثم طوبی لهم؛ بهشت هشت در دارد که اهل قم یکی از آن درهای هشت گانه را در اختیار دارند؛ خوشا بحال آنها، خوشا بحال آنها، خوشا بحال آنها».

می دانیم درهای بهشت مثل درهای این دنیا نیست، بلکه درهای بهشت اسبابی است که انسان ها را به بهشت می برد، حال امام رضا علیه السلام در این روایت می فرماید یکی از درهای بهشت در قم است، یعنی در این سرزمین عاملی وجود دارد که می تواند مردم را به بهشت دعوت کند اما آن عامل همان قبر حضرت معصومه سلام الله علیها است که امام صادق علیه السلام درباره آن می فرماید: در آینده نزدیک زنی از نسل من در این جا دفن می شود «فمن زارها وجبت له الجنة».

البته وجبت له الجنة مطلق نیست یعنی این گونه نیست که بهشت بر او واجب شده است و او هر کاری که بخواهد می تواند انجام دهد بلکه وجوب جنت مشروط است. در میان صحابه کسانی بودند که یک روز بهشت بر آنها واجب بود و یک روز هم بر علیه علی علیه السلام قیام کردند و بسیاری را به کشتن دادند و خودشان هم کشته شدند و وجبت لهم النار شدند. از این رو وجوب بهشت مشروط است.

با این تفاسیر باید گفت زیارت با این همه ثواب که در روایات برای آن بیان شده، یک زیارت ساده معمولی نیست بلکه زیارتی است که عارفاً بحقها باشد، یعنی وقتی به اینجا برای زیارت می آید در افعال خود باز نگری کرده و با توبه به اصلاح خویشتن پردازد که این سبب می شود، اینجا دری از درهای بهشت باشد.

با این اوصاف باید قداست این شهر حفظ شود و جهات دینی، بیشتر از جاهای دیگر در آن رعایت شود چرا که «لنا حرماً و هو قم». باید در قم بیش از جاهای دیگر مواظب باشند نباید تبلیغ کلاس های موسیقی بر در و دیوار این شهر دیده شود، مسئله اعتیاد در قم نباید باشد و یا طلاق و پرونده های منکراتی در دادگاه های قم باید از همه جا کمتر باشد، چون حرم اهل بیت علیهم السلام و عش آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین محسوب می شود و دری از درهای بهشت در آن است و ما نباید در مقابل این مسائل بی تفاوت باشیم و همه مسئولیم و هر کسی به اندازه خودش مسئول است. باید وسائل اطلاع رسانی از قم بقدری قوی باشد که به تمام دنیا بتوانند اطلاع رسانی کنند و فقط نباید به ایام تبلیغی اکتفا شود.

آثار و برکات حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در شکل گیری و توسعه حوزه علمیه قم

و از جمله جاذبه های وجود حضرت معصومه سلام الله علیها این است که حوزه علمیه بسیار مهم قم در کنار مدفن آن حضرت برقرار و تشکیل شده است، در سراسر جهان اسلام اعم از حوزه های علمیه شیعی هم چون حوزه مهم نجف، کربلا، حوزه مشهد، اصفهان و شیراز... و یا حوزه های علیمه اهل سنت هم چون الازهر، مکه، مدینه ...لیکن حوزه ای با این وسعت و گستردگی وجود ندارد و عجیب این است که تحقق این مسأله یکی از معجزات امام صادق علیه السلام است که بروز و ظهور چنین مرکز عظیم علمی در قم را پیشگویی کردند و فرمودند:

«ستخلوا کوفه من المؤمنین و یأزر عنها العلم كما تأزر الحیة فی جاجره ثم یظهر العلم ببلدة یقال لها قم و تصیر معدنا للعلم و الفضل حتی لایبقی فی الأرض مستضعف فی الدین حتی المخدرات فی

الحجال و ذلك عند قرب ظهور قائمنا ... فیفیض العلم منه إلی سایر البلاد فی المشرق و المغرب فیتم الله حجه علی الخلق حتی لایبقی أحد علی الأرض لم یبلغ إلیه الدین و العلم ثم یظهر القائم علیه السلام؛ به زودی علم و دانش از کوفه برچیده می شود ... سپس در شهری به نام «قم» آشکار می گردد و معدن علم و دانش می شود، تا در سراسر زمین افرادی که از اسلام آگاهی ندارند، باقی نمانند، حتی زنانی که به حمله می روند (و کم سن و سالند) و این به هنگام نزدیک شدن قیام رهبر انقلابی ماست ... علم و دانش از این شهر به سایر شهرها در شرق و غرب جهان سرازیر خواهد شد و خداوند بدین وسیله حجت خود را بر مردم تمام می کند، تا کسی روی زمین باقی نماند که این آگاهی به او نرسیده باشد، سپس آن قیام کننده قیام خواهد کرد».

لازم به ذکر است ما در صدد تعیین وقت ظهور نیستیم، لیکن این حدیث نشان می دهد ان شاءالله ظهور نزدیک است، هم چنین امروزه می توان مشاهده کرد مبلغان مبرز و مجرب از حوزه علمیه قم به همه نقاط جهان مسافرت های متعدد تبلیغی انجام می دهند؛ به عنوان نمونه تا چند سال قبل در اندونزی آمار شیعیان بسیار اندک بود لیکن هم اکنون جمعیت شیعیان اندونزی به بیش از یک میلیون نفر می رسد.

هم چنین در آمریکای جنوبی، استرالیا و... شماری از مبلغان حوزه علمیه قم بدان نقاط سفر کرده اند، هم چنین کتاب های متعدد شیعی نیز به زبان های مختلف و در سراسر جهان منتشر می شود و از آن هم مهمتر راه اندازی شبکه تلویزیونی ولایت است که در قم احداث شده و به زبان فارسی و عربی تقریباً تمام دنیا را تحت پوشش قرار می دهد؛ بی شک این مسأله مهم تحقق کامل پیش بینی امام صادق علیه السلام است.

از سوی دیگر امام صادق علیه السلام در روایتی مهم می فرماید: آگاه باشید، برای بهشت هشت دراست؛ که سه تای آن به سوی قم باز می شود. در آنجا بانویی قبض روح می شود. او از جمله فرزندانم، و نامش فاطمه دختر موسی علیهما السلام است؛ به شفاعت او همه شیعیان داخل بهشت می گردند.

این روایت را می توان از این منظر نگریست که حوزه علمیه، علم تفسیر، علم فقه و علم کلام و عقاید دارد هر کدام از آن سه علم، دری از درهای بهشت است و سه در از درهای بهشت در آنجا گشوده می شود.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت به جهت اهمیت قم دشمن برنامه های خاص و بودجه های فراوانی برای آلوده کردن آن اختصاص داده است. بنابراین باید بر روی برنامه ریزی های دشمن حساسیت داشته باشیم..

متأسفانه فساد در بعضی از جوانان نفوذ کرده، اگر چه کم است ولی کم آنها در قم زیاد است. لذا پدران و مادران مراقب جوانانشان باشند و نیروی انتظامی و دستگاه قضایی، جمعیت ناصحان، صدا و سیما، روزنامه ها و روحانیت باید مراقب این برنامه ها باشند.

امیدواریم در سایه حضور حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در قم، بتوانیم به وظایف شرعی خود عمل کنیم.



واکاوی علل و عوامل قیام ۱۹ دی از منظر معظم له

رحلت شهادت گونه مرحوم آیت الله مصطفی خمینی فرزند امام (رحمت الله علیه) در آبان ۱۳۵۶، شتاب خاصی به حرکت انقلاب اسلامی بخشید و بار دیگر امام (رحمت الله علیه) به عنوان رهبر حرکت اسلامی در جامعه مطرح گردید. از این رو دستگاه حاکم و به ویژه شخص شاه بر آن شد تا با توهین به ساحت امام (رحمت الله علیه) چهره ی ایشان را در انظار عمومی مشوش سازد و با نوشتن مقاله ای با صراحت به آن بزرگوار توهین نماید.

لذا شاه دستور نگارش «ایران و استعمار سرخ و سیاه» را صادر کرد و انتشار مقاله که نویسنده ی آن «احمد رشیدی مطلق» ذکر شده بود به طور صریح بی حجابی را فضیلت دانسته و حجاب، کهنه پرستی و ارتجاع سیاه معرفی و به ساحت مرجع عالم تشیع، امام خمینی (رحمت الله علیه) اهانت کرده و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شده بود.

با پخش سراسری روزنامه اطلاعات و رسیدن آن به شهر قم.. طلاب جوان، پس از خواندن مقاله، به خشم آمدند، مدرسین حوزه علمیه ی قم نیز پس از اطلاع از محتوای مقاله، در بیت آیت الله نوری همدانی گرد آمدند و هجدهم دی، درس های حوزه تعطیل شد.

صبح هجدهم دی، طلاب با تشکیل اجتماعی بزرگی، در مقابل بیت مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی (رحمت الله علیه) تجمع کردند و معظم له سخنانی در مخالفت با رژیم شاه و حمایت از امام خمینی (رحمت الله علیه) بیان فرمودند.

سپس راهپیمایان، در مقابل منزل مرحوم علامه طباطبایی (رحمت الله علیه) تجمع کردند. اما به علت کسالت علامه، آیت الله محمد یزدی، به نمایندگی از طرف ایشان سخنانی ایراد کرد.

تظاهر کنندگان، آن گاه در مقابل منزل و

مدرسه ی آیت الله العظمی مکارم شیرازی تجمع کردند و ایشان طی سخنان فرمودند:

«بدانید که در صدر اسلام تاکنون برنامه همین طور بوده و به پیغمبران اهانت می کردند تا این زمان که بر می دارند در یک کاغذ پاره به مرجع بزرگ توهین می کنند، مسأله، مسأله ی هتاکی نسبت به آیت الله العظمی آقای خمینی نیست، این در واقع هتاکی به تمام مقدسات و به همه ی ماست ... طلاب نباید از همدیگر جدا شوند و باید وحدت داشته باشند، اگر بناست زنده بمانیم، همه باید زنده بمانیم و اگر بناست بمیریم، همه باید بمیریم، جدایی بین ما نخواهد بود.»

بعد از آن طلاب به منزل آیت الله العظمی وحید خراسانی رفتند. ایشان نیز در اجتماع طلاب و تظاهرکنندگان، سخنانی بیان کردند.

روز نوزدهم دی، اقشار مختلف مردم و طلاب راهپیمایی به سوی منازل بزرگان حوزه را آغاز نمودند که این تجمعات در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶، ابتدا از دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی آغاز شد و تا بعدازظهر آن روز حضور در بیوت مراجع ادامه داشت، لیکن با تیراندازی مأموران مسلح رژیم شاه، کشتار مردم مظلوم و بی دفاع قم و سرکوب شدید و خشن قیام عمومی در این شهر، در حالی رقم خورد که مردم این شعار را سر می دادند «از جان خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا خمینی». این شعار زیبا در پایان آن روز غم انگیز، عشق بی کران مردم را به رهبر محبوب خویش نشان می داد.

گفتنی است حوزه در این عصر علاوه بر رسالت علمی و دینی خود، به صورت آشکارتر وارد مسایل سیاسی نیز شد و روحانیت شیعه در کنار مردم به رهبری امام خمینی رحمه الله با رژیم فاسد پهلوی مبارزه را آغاز کرد، و سرانجام نور بر ظلمت چیره شد و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ ه. ش به پیروزی رسید.

قیام ۱۹دی؛ سرآغاز یکپارچگی و انسجام مردمی و سرسلسله قیام های انقلابی علیه رژیم پهلوی

شهر قم خاستگاه انقلاب اسلامی است و امام خمینی (رحمت الله علیه) از این شهر قیام خودش را آغاز کرد. لذا قم همواره در زمان خاندان پهلوی عمداً مورد بی توجهی قرار می گرفت؛ زیرا خاندان پهلوی علاوه بر اینکه علاقه ای به اسلام نداشتند، از پیشرفت و نفوذ روحانیت می ترسیدند.

در این میان باید به قیام ۱۹ دی اشاره کرد که فوق العاده موفقیت آمیز بود چرا که موج عظیمی را در تمام مملکت ایجاد کرد و به یک معنا، سرسلسله قیام هایی بود که پس از آن به طور زنجیره ای در مراکز استان ها به وجود آمد و در واقع قیام از قم صادر شد و موجش به تمام کشور رسید و خوشبختانه رژیم خودکامه با برخورد ناشیانه ای که نسبت به حرکت قم از خود نشان داد، زمینه تکثیر آن را فراهم کرد و کشور در این خصوص یکپارچه شد.

حماسه ۱۹دی؛ مقاومت و ایستادگی ملت ایران در برابر رژیم سستم شاهی پهلوی

حادثه ۱۹ دی ثابت کرد که مردم می خواهند تا آخر بمانند، امام خمینی (رحمت الله علیه) در آن زمان در میان محافل مذهبی، حوزه های علمیه و توده مردم، کاملاً شناخته شده بودند و این امر برای نظام طاغوت مسلم بود.

آنچه دستگاه نسبت بدان شک داشت میزان ایستادگی مردم بود؛ شاه می خواست بداند آیا مردم تنها به راهپیمایی ها و مجالس سخنرانی و بستن بازار و اعتصاب اکتفا می کنند یا برای یک جهاد تمام عیار خود را آماده کرده اند و حادثه ۱۹ دی ثابت کرد که مردم می خواهند تا آخر بایستند.

قیام ۱۹ دی تجلی غیرت دینی / راهپیمایی علیه کشف حجاب؛ تحت الشعاع تحولات قیام خونین مردم قم در ۱۹دی

گفتنی است همه ساله در هفته دی

به مناسبت سالگرد کشف حجاب، در مطبوعات آن زمان غوغایی برپا می شد و من فراموش نمی کنم که در زمان ریاست مرحوم آیت الله بروجردی بر حوزه علمیه قم (قبل از سال ۴۰) در سالگرد هفته دی، نظام، تبلیغات گسترده و وقیحانه ای راجع به کشف حجاب راه انداخت و طلاب حوزه هم متقابلاً طی یک راهپیمایی که به سمت فرمانداری انجام دادند، از این قضیه اعلام انزجار کردند که عده ای در این روز کشته و مجروح شدند.

منظورم از نقل این مسأله این است که بگویم همواره ایام هفته دی خاطره انگیز بوده است؛ هم برای نظام طاغوت که به کشف حجاب مفتخر بود و هم برای قشر متدین که این مسأله برایشان ناگوار بود، البته در ۱۹ دی، مسأله کشف حجاب، تحت الاشعاع مسائل دیگر انقلاب بود و لذا چندان تعیین کننده نمی توانست باشد.

حادثه ۱۹ دی؛ پاسخ مومنانه به نیاز زمانه

بی تردید لازم بود که پاسخ مناسب و دندان شکنی به مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات نسبت به شخصیت امام (رحمت الله علیه) و ارزش های اسلامی از جمله مسأله حجاب داده شود و اینجا بود که نخست ولوله ای در حوزه علمیه قم افتاد و طلاب دور هم جمع شدند تا تصمیم مناسبی اتخاذ کنند و سرانجام قرار شد طلاب و فضلا به طور دسته جمعی به منازل مدرسین معروف حوزه بروند و شکوائیه خودشان را نسبت به مقاله زننده «رشیدی مطلق» مطرح کنند و کمک بخواهند.

لذا از جمله منازلی که آمدند، منزل ما بود، من دیدم جمعیت طلبه ها به قدری زیاد است که منزل گنجایش آنان را ندارد، لذا گفتم که به اتفاق به سمت مدرسه امیرالمومنین (علیه السلام) حرکت می کنیم. در سالن مدرسه، اجتماع عظیمی برپا شد و از من خواستند که برای جمع صحبت کنم، من هم طی سخنرانی، نسبت به توطئه های دشمن هشدار دادم و گفتم: «مسئله، تنها هتاکي نسبت به امام نیست، بلکه به همه مقدسات و به همه ما توهین شده است، لذا

باید از هر گونه جدایی و تشنت بهره یزیم و اگر بناست زنده بمانیم، باید همه زنده بمانیم و اگر هم بناست بمیریم باید همه بمیریم.»

پیش از ظهر ۱۹ دی طلاب و فضلا به منزل مدرسین دیگر هم رفتند تا اینکه بعد از ظهر، هنگام بازگشت از منزل یکی از مدرسین ماجرا اوج گرفت و آتش خشم تظاهرکنندگان به قدری شعله ور شد که رژیم احساس خطر کرد، لذا در جلوی مدرسه امیرالمومنین (علیه السلام)، پلیس به مردم حمله کرد و درگیری آغاز شد و این درگیری به شهادت تنی چند از طلاب در چهارراه بیمارستان انجامید و به همین جهت این میدان به «میدان شهدا» تغییر نام یافت. عده دیگری از طلاب هم دستگیر شدند و در جلسه به اصطلاح «شورای امنیت» شهربانی، حکم به تبعید عده ای، از جمله بنده نمودند تا قم آرام شود.

قیام ۱۹ دی مردم قم؛ دفاع از حریم ولایت و مرجعیت انقلابی با هدف تشکیل حکومت اسلامی

قیام ۱۹دی با هدف حمایت از امام (رحمت الله علیه) و روحانیت انجام شد؛ در ذهن مردم در طی حدود ۱۵ سال از سال ۴۲ تا ۵۶، تصویری از حکومت اسلامی و تشکیل آن نقش بسته بود و به تدریج به عنوان هدف و آرمان آنان در آمده بود و در نوزده دی ۵۶، در قالب حمایت از امام (رحمت الله علیه) و مراجعی که در میدان جهاد و مبارزه حضور داشتند، این آرمان بروز و ظهور یافت.

لذا هدف از این قیام، حمایت از روحانیت و بالاخص امام در مخالفت با نظام طاغوتی بود و مردم عملاً خواهان استمرار این نظام خودکامه نبودند و طالب یک حکومت اسلامی بودند.

اینکه در ایام دهه فجر انقلاب اسلامی ایران آیه «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»، به دفعات بیان می شود بدان جهت است که حکومت طاغوت که باطل و مروج فساد، فحشا، وابستگی، ویرانی و حیف و میل کردن بیت المال بود رفت، و حکومت

اسلامی که حق است آمد و جایگزین آن شد. و هر چه حکومت اسلامی عادلانه تر و کاملتر باشد و بیشتر در مسیر دین گام بر دارد به همان اندازه کسب حقایق می کند.

قیام ۱۹دی؛ روزی به نام مردم قم و برای همه ملت ایران

بی شک شهر قم زادگاه انقلاب و پایتخت جهان تشیع است، در تبیین این مدعا باید گفت؛ یکی از مهمترین آثار قیام ۱۹دی، تبعید گسترده مدرسین حوزه علمیه بود که بازتاب موثری داشت؛ به عنوان مثال وقتی اینجانب به چابهار و بعد از آن مهاباد و سپس انارک رفتم، در تمام این مناطق که تا پیش از آن ساکت و آرام بود، مردم به دیدن ما می آمدند و خود به خود این مراکز در مبارزه علیه رژیم پهلوی فعال می شدند چرا که ما دوره تبعید را با سکوت برگزار نمی کردیم و در قالب برگزاری نماز جماعت و سخنرانی، فعالیت می کردیم.

در آنجا حتی با همیاری اهالی محل، اقدام به تشکیل کتابخانه کردیم و جالب است اگر بدانید که برخی افراد در آنجا در قالب یک جمله مطایبه آمیز می گفتند: «ما باید برویم به شاه دعا کنیم که این آقا را به چابهار آورد و ما به او دسترسی پیدا کردیم.»

سخن آخر

در خاتمه باید گفت رژیم تا آن زمان باور نمی کرد که مسئله مبارزه و خشم توده های مردم این قدر جدی است. مرحله حساسی بود که بایستی در تاریخ این ملت به وقوع بپیوندد.

رژیم از سویی می بایست با تمام قدرت به میدان بیاید و روحانیت هم از سوی دیگر وارد عمل شوند و مذهب یون درگیر ماجرا گردند تا کار یکسره شود.

سرانجام تمام این نیروها از جهات مختلف با هم رودررو شدند؛ مردم هم در پشت سر امام، با تمام قدرت وارد عرصه کارزار شدند و در نهایت، ضربه نهایی و کاری زده شد و تقریباً یک سال بعد تلاش ها به ثمر رسید و در بیست و دوم بهمن ماه ۵۷ این واقعه عظیم به سود اسلام، امام و امت خاتمه یافت.

بازخوانی پیام‌های حماسه ۹ دی از منظر معظم له

آگاهی نسل امروز از وقایع و رخدادهای انقلاب اسلامی، یک نیاز مبرم و ضرورت است تا افراد با بررسی و مطالعه این آثار، ضمن آگاهی از اتفاقات، درگیری‌ها، فداکاری‌ها و آشنایی با شخصیت‌ها، بدانند که انقلاب ارزان به دست نیامده است، زیرا هر چیزی را انسان ارزان به دست آورد ارزان از دست می‌دهد؛ ولی اگر گران به دست آورد به آسانی آن را از دست نمی‌دهد.

از سوی دیگر در جوامع غربی مشاهده می‌شود سیاست از اخلاق جدا شده است، در صورتی که در دین اسلام اخلاق و سیاست مثل تار و پود به هم تنیده‌اند، لذا ظهور انقلاب اسلامی ایران و پیروزی‌های مکرر در برابر قدرت‌های شرق و غرب، آن هم با اتکا به خداوند و بدون سلاح، باعث توجه دنیا به اسلام شده است.

فتنه ۸۸؛ کودتای تمام عیار به نام انتخابات

همه ملت عزیز ما یقین دارند منافقان کوردل و فرصت طلب در آشفته بازار اختلافات فعال می‌شوند و با تخریب اموال مردم و به آتش کشیدن آنها، چهره ملت مهربان و صلح طلب و پاکدل ما را در جهان به زشتی رقم می‌زنند.

این آسیب در حالی است که فتنه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی اطراف ما را گرفته است، که فتنه ۸۸ در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸، مهمترین آن فتنه‌ها به شمار می‌آید.

در طول ۳۰ سال گذشته ما شاهد فتنه‌ای به این بزرگی و پیچیدگی نبودیم، منافقین، لائیک‌ها، غیرمسلمانان و فرقه‌های ضاله در این فتنه بسیار فعال بودند، در واقع، هدف از این فتنه، مبارزه با اسلام و نفی حکومت دینی بود، و نباید اینها را به حساب دعوای انتخاباتی گذاشت.

بلکه حوادث پیش آمده در فتنه ۸۸، فراتر از

مسایل انتخاباتی بود، و دشمن در روز عاشورا به امام حسین علیه السلام و رهبری جسارت کرد، که با حضور گسترده مردم در حماسه عظیم ملت ایران در ۹ دی سال ۱۳۸۸ مواجه شد؛ این حضور هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی فوق العاده بود و توطئه‌های دشمنان را نقش بر آب کرد.

جریان فتنه؛ بدعتی آشکار؛ تضاد کامل با دین مبین اسلام

نباید فراموش نمود جریان موهوم فتنه، افراد ملحد(لائیک)، همجنس‌باز و دین‌ستیز را در قالب نگرش خود ساخته سبز بنیان نهاده، در عین حال، مبلغان آن مدعی اند با به رسمیت شناختن این گروه‌ها و تفکرات، قصد حفظ دین اسلام را دارند! در صورتی که بدون شک اگر کسی چنین اعتقادی را داشته باشد، شیطان اغوا کننده‌ای است و بر ضد اسلام است. از این رو چنین نگرشی را اسلام، قرآن و فقه شیعه قبول ندارد و آن را بدعت و انحراف آشکاری در آموزه‌های دینی می‌داند.

با این تفاسیر باید ابعاد و زوایای حماسه عظیم ۹ دی پرداخت که بسیار باشکوه، پرشور، عظیم، پر جوش و پر خروش انجام شد و چهار پیام کلیدی به همراه داشت که عبارتند از:

حماسه ۹ دی؛ نفی سکولاریسم؛ تجلی روح امام حسین علیه السلام در نهضت امام خمینی رحمت الله علیه

روز عاشورا در حالی که مردم کشور ما از کوچک و بزرگ، مرد و زن در آتش عشق حسینی می‌سوختند و ناله‌های عاشقانه سر می‌دادند و در هر کوی و برزن به سوگ نشسته بودند و با نظم و خلوص نیت مشغول عزاداری و نوحه سرایی بودند، گروهی از مغرضان به بعضی از خیابان‌های تهران ریختند و قداست مراسم حسینی را که عامل وحدت صفوف همه ملت است شکستند، نخست به شعارهای سیاسی ساختارشکن پرداختند و سپس اقدام به تخریب اموال و آتش زدن آنها کردند.

اطلاعات موثق و دقیقی به ما رسیده که آنها جدایی حکومت را از اسلام تبلیغ می‌کنند و حتی بعضاً نسبت به مقام شامخ سالار شهیدان و عزادارانش اهانت کرده‌اند. انتظار

ما این است که اولاً تمام جناح‌های سیاسی معتقد به نظام اسلامی این ساختارشکنی و هتک احترام را تقبیح و محکوم کنند و ثانیاً بیش از این بر طبل اختلافات نکوبند، زیرا دشمن در کمین نشسته و سلاح خود را تیز کرده و پیوسته تهدید می‌کند و هر درگیری که رخ دهد فریاد شادی سر می‌دهند، آیا عقل اجازه می‌دهد که دشمن را شاد کنیم؟

آری اینچنین است که حضور پرشور مردم در راهپیمایی روز ۹ دی ۱۳۸۸، روح دیگری به انقلاب و کشور ما داد؛ راهپیمایی ۹ دی، افزون بر جمعیت بسیار، از نظر کیفیت پر خروش بود و در مقابل همه زیان‌هایی که دیدیم لیکن این حادثه برای نظام اسلامی منافع خوبی داشت.

حماسه ۹ دی؛ صحنه خلق حضور مردم و اقتدار نظام اسلامی

در تعبیری از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم: «مهمترین حق، حق مردم بر حکومت، و حق حکومت بر مردم است».

حق حکومت اسلامی بر مردم این است که از آن حمایت کنند، و در مشکلات و حوادث سخت به یاریش بشتابند، و در لحظاتی که باید به صحنه بیایند در صحنه حضور یابند. و حق مردم بر حکومت آن است که جان و مال و ناموس و آبروی آنها را حفظ کند، و امنیتشان را تأمین نماید، و وسایل رفاه و آسایش آنها را فراهم کند، و مقدمات تحصیل، کار و مسکن جوانان را مهیا سازد. برای مردم جاده، بیمارستان، خیابان و پارک و دیگر لوازم و اشیای مورد نیازشان را آماده سازد.

در صورت تحقق این مهم، حق در میان‌شان قوی و نیرومند خواهد شد، و جاده‌های دین صاف و بی‌دست انداز می‌گردد، نشانه و علامت‌های عدالت اعتدال می‌پذیرد و راه و رسم‌ها درست در مجرای خویش به کار می‌افتد، بدین ترتیب زمان صالح می‌شود و دشمنان مأیوس خواهند شد.

حال با ذکر این مقدمه باید تأکید کرد یکی از مهمترین پیام‌های حماسه عظیم ۹ دی این است که مردم همانند روزهای اول انقلاب با شور و نشاط به صحنه آمدند و این جای تقدیر و تشکر دارد، که این پدیده بی‌بدیل

نشان می‌دهد مردم همیشه در صحنه هستند و پایه‌های نظام، قانون اساسی و ولایت در این کشور بسیار مستحکم است و جای هیچ نگرانی وجود ندارد.

روز ۹ دی؛ پایان مدارای ملی با فتنه گران/فریب خوردگان به صف ملت پیوندند

بدیهی است دشمنان اسلام که کم هم نیستند مترصد فرصتی هستند تا ضربه‌های خود را وارد سازند، حال در این شرایط چه وظیفه‌ای داریم؟ بی‌شک آنها که به اختلافات دامن می‌زنند تنها راه را برای سیطره دشمنان صاف می‌کنند.

از این رو اگر کشور و انقلاب ما آسیب بیند تمام منطقه آسیب خواهد دید و دچار دگرگونی خواهد شد و این مسئولیت ما را سنگین تر می‌کند.

مگر نه این است که ما صدها هزار شهید و جانباز برای به ثمر رسیدن انقلاب داده ایم. لذا پس از فتنه ۸۸ باید مطمئن بود ارواح آنها و روح مقدس امام راحل بنیانگذار جمهوری اسلامی ناراحت است. خدا نیلورد روزی را که بر اثر غلبه احساسات بر عقلانیت، ارزش تمام آن خون‌ها به خطر بیفتد.

لذا برای اینکه اعتماد مردم جلب شود باید هر کس که در این جریان در قالب فتنه‌گر و حمایت از فتنه‌گران نقش داشته به مجازات برسد، هم چنین از جمله پیام‌های این راهپیمایی در نهم دی ماه ۸۸ خطاب به فریب خوردگان است که می‌گوییم کسانی که فریب خورده‌اند به صف ملت پیوندند.

حماسه ۹ دی تیر خلاصی بر فتنه ۸۸؛ شکست کودتای مخملی استکبار و غرب

نباید فراموش نمود بیگانگان در ضدیت و دشمنی با انقلاب اسلامی ایران بسیار فعال هستند به گونه‌ای که طبق اطلاعات واصله در یک روز ۷۰۰ هزار پیام به مملکت ما می‌فرستند.

لذا دشمنان ما خیر خواه ما نیستند و منتظر هستند وسیله‌ای برای برهم زدن کشور پیدا کنند و نیز گاهی ممکن است از ما نیز تعریف کنند اما به یقین آنها خیر خواه نیستند و نظر

آنها سوء استفاده است.

در این میان افرادی هستند که تصور می‌کنند می‌توان با آمریکایی‌ها و مستکبران صلح کرد ولی درک آن برای ما دشوار و غیر ممکن است زیرا آنها در عمل همیشه جنایت می‌کنند. بدین ترتیب آمریکا و غربی‌ها به هیچ وجه قابل اعتماد نیستند لذا برای حل مشکلات مان باید روی پای خود بایستیم.

بنابراین کسی نباید تصور کند که پس از برجام می‌تواند سفارت خانه آمریکا را در ایران بازسازی کند و دست دوستی به آنها بدهیم. حال آنکه آمریکایی‌ها نه تنها هنوز تحریم‌ها را بر نداشتند بلکه تحریم‌های جدیدی به جای آن ایجاد کرده‌اند.

با این اوصاف باید تأکید کرد شکست دشمنان نظام در داخل و خارج، پیام دیگر حضور مردم در راهپیمایی عاشوراییان در ۹ دی ماه ۸۸ به شمار می‌آید، دشمنان خارجی و عوامل آنها بدانند فعالیت برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بیهوده است، لذا خطاب به قدرت‌های استکباری می‌گوییم؛ خودتان را برای براندازی این نظام خسته نکنید، به جای مصرف پول‌های هنگفت برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، آنها را به کارتن خواب‌های آمریکا و لندن بدهید تا سرپناهی برای خود درست کنند؛ زیرا مشاهده می‌کنیم با گذشت سی سال از انقلاب اسلامی، هنوز پایه‌های نظام مستحکم و بدون تزلزل است.

لذا نه تنها این تلاش برای آنها سودی نداشت بلکه در عوض سبب بیداری ملت ما شد و نشان داد مردم ما هشیار و بیدار در صحنه هستند.

بی‌شک حماسه ۹ دی سال ۸۸ ملت ایران نشان داد خواب‌های قدرت‌های استکباری به ویژه آمریکا تعبیر نمی‌شود، زیرا آنها تصور می‌کردند انقلاب مخملی پیش می‌رود اما فهمیدند اینگونه نیست و مردم ما هوشیار و آگاه هستند.

حال با توجه به توطئه‌های آتی دشمنان و تحولات آینده؛ باید خود را آماده فاز جدیدی کنیم، آنها فکر می‌کردند کار تمام است، اما فهمیدند اول کار است.

بدین ترتیب مردم و مسئولان باید دوستان و

دشمنان خود را به خوبی بشناسند و از خدا مدد بخواهیم که در مبارزه حق علیه باطل پیروز شویم.

سخن آخر

در خاتمه باید گفت ولایت و رهبری رکن اصلی حکومت اسلامی است، لذا هرگونه فرافکنی و مخالفت با ولایت فقیه و رهبری، سست کردن پایه‌های نظام است و باید ریشه چنین تفکرات و فعالیت‌های برچیده شود.

از سوی دیگر باید به نقش و جایگاه انقلاب اسلامی در جهان معاصر توجه کرد؛ زیرا جمهوری اسلامی برای نخستین بار به میدان آمده و در جهان تجلی یافته و اگر این راه حفظ شود، الگوی مناسبی برای همه عدالت‌خواهان در جوامع بشری ایجاد خواهد شد.

بدیهی است نظام جمهوری اسلامی امانتی است که خدا و شهدا به ما سپرده‌اند؛ و باید به خوبی در صیانت از این امانت‌ها، همه توان خود را به کار بگیریم؛ زیرا ما تجربه داریم هر زمان که کشور دچار مشکلی شده دست لطف خداوند آمده و حمایت کرده و مشکل از کشور ما برطرف شده است.

پس از شگفتی دوست و دشمن از خلق حماسه ۹ دی توسط ملت ایران، دیگر هیچ نگران نیستیم، مردم نیز باید امیدوار باشند، هیچ کس نباید مایوس شود، بلکه ما باید تحلیل جدی از حضور مردم در راهپیمایی میلیونی ۹ دی داشته باشیم و ببینیم ریشه‌های این پایداری مردم چیست و بر اساس آن برنامه‌های آینده را طراحی کنیم.

هم چنین باید گفت گاهی انتشار مسائل خصوصی افراد و اشخاص برای حفظ نظام ضرورت دارد، لذا پشت پرده فتنه ۸۸ برای مردم تبیین شود؛ زیرا به هر میزان که آگاهی فرد از وقایع بیشتر باشد موضع‌گیری او در مواجهه موثر و مطلوب با بحران‌های مختلف، مناسب‌تر بوده و فرد می‌داند که موضع‌گیری او در چه درجه‌ای باشد.

امیدوارم خداوند ریشه‌های کسانی را که با مقدسات اسلام، بازی سیاسی می‌کنند نابود کند، هم چنین امیدواریم خدای متعال ما را از شر همه فتنه‌گران و اشرار در این زمان محفوظ بدارد.

حماسه آتش نشانان در گستره معرفتی «ایثار و فداکاری» از منظر معظم له

در وهله نخست، جریان بسیار دردناک آتش سوزی در تهران و شهادت جمعی از آتش نشانان عزیز و جان بر کف که جانشان را ازدست دادند و به همه آن عزیزانی که در این راه صدمه دیدند؛ مجروحین و بازماندگان شهیدان، تسلیت می گویم.

با این تفاسیر باید به فرهنگ ایثار و جانفشانی اشاره کرد و گفت ایثار و فداکاری از جمله مسائل اخلاقی است که در ارتباط با مردم تعریف می شود، زیرا در تاریخ ملت ها روزهایی پیش می آید که بدون ایثار و فداکاری و دادن قربانیان بسیار خطرات بر طرف نمی شود، لذا برخی افراد در مقاطعی خاص که نیازمند به فداکاری است، ایثار و فداکاری از خود نشان داده اند که در این میان اولیاء الله قویترین چهره های اخلاق به شمار می روند که ایثار و فداکاری را در حد اعلی دارا بوده اند.

بدون شک ایثار و فداکاری یک کار انسانی و پر ارج محسوب می شود و نشان می دهد که فاعل آن دارای عالی ترین عواطف مردمی و انسانی است که شعاعش چنان وجود او را روشن ساخته که از منافع خویش می گذرد و تن به محرومیت می دهد تا انسان های دیگر راحت باشند.

وجود این فضیلت اخلاقی نشان دهنده ایمانی است که فراتر از مسائل مادی است و با چیزی نمی توان آن را مبادله کرد، همه جا با انسان است و لحظه ای از او جدا نمی شود، و همه چیز در برابر آن کوچک و کم رنگ است.

چیستی مفهوم ایثار

«ایثار» عبارت از این است که انسان دوست

دارد دیگران در نعمت باشند، هر چند خودش در محرومیت به سر ببرد و حتی حاضر است آنچه را دارد در اختیار دیگران بگذارد و از منافع خود چشم ببوشد. این حالت والا را «ایثار» می گویند که یکی از مهم ترین صفات برجسته انسانی است، لذا «ایثار» به معنای برتری بخشیدن کسی است، خواه بر خویشتن باشد یا بر دیگری.

حقیقت مفهوم ایثار و فداکاری

«ایثار» صفت بسیار ممتازی است که جز اولیاء الله و مؤمنان خالص و مخلص از عهده آن بر نمی آیند، زیرا ایثارگر دیگران را بر خود ترجیح می دهد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و صحابه خاص آن حضرت و همچنین اهل بیت علیهم السلام نمونه های کاملی هستند که خداوند در قرآن آنان را به این صفت ممتاز ستوده است.

آری ایثار آن است که دیگران را با بزرگواری بر خود مقدم بشماریم؛ اینگونه است که جایگاه ایثار و فداکاری به مراتب بالاتر از انفاق است به نحوی که همگان سعادت آن را ندارند، و از صفات ویژه مؤمنان واقعی است.

لذا روح انسانی به آنجا می رسد که ایثار و گذشت را سرلوحه زندگی قرار داده، وافرادی برای حمایت از محرومان یکجمله، اقدام به «ایثار» می کنند، یعنی از حقوق مسلم خود به نفع آنان صرف نظر نمایند و تن به محرومیت می نهند.

بی تردید اگر ما طرفدار یک مکتب معنوی باشیم که ایثار و فداکاری و گذشت را وسیله ترقی و تکامل معنوی انسان بدانیم در آن موقع انسان برای دیگران کار کند و حتی در مواقع بحرانی برای نجات جان دیگر هم نوعان و حیات و زندگی آنها می میرد.

پیوند پشتوانه عقلی و وجدانی؛ زمینه ساز تحقق ایثار و فداکاری

فلاسفه ای که معتقد به حاکمیت عقل بر همه چیز و لزوم پیروی از آن در همه چیز

هستند، پشتوانه مسائل اخلاقی را درک عقل از خوب و بد اشیاء می دانند؛ مثلا، می گویند عقل به خوبی درک می کند که ایثار و شجاعت فضیلت است، و بزدلی و جبن ردیلت.

برخی دیگر، پشتوانه را ادراک وجدان می دانند، می گویند وجدان همان عقل عملی است که مهمترین سرمایه انسان می باشد؛ بنابراین، همین که وجدان ما می گوید ایثار، فداکاری، سخاوت و شجاعت خوب است، همین کافی است که ما را برای رسیدن به این نیکی ها بسیج کند، و همین که می گوید: بخل، خودخواهی، و خودپرستی بد است، کافی است ما را از آن باز دارد.

به این ترتیب، پشتوانه عقلی و وجدانی به هم می رسند، و دو تعبیر مختلف از یک واقعیت محسوب می شوند. بی شک وجود این پشتوانه، یک واقعیت است و می تواند در حد خود انگیزه مطلوبی برای نیل به تربیت نفوس و فضائل اخلاقی بوده باشد.

ضرورت گسترش فرهنگ ایثار و فداکاری در جامعه اسلامی

جهان آفرینش صحنه ایثار است و بذل و بخشش، زمین آنچه را در اختیار دارد به گیاهان و حیوانات ایثارگرانه تقدیم می کند، و درختان و گیاهان تمام مواهب خویش را در اختیار انسان ها و جانداران دیگر می گذارند، قرص خورشید روز به روز لاغرتر می شود و نور افشانی می کند، ابرها می بارند و نسیم ها می وزند و امواج حیات را در همه جا می گسترانند، این نظام آفرینش است. ولی تو ای انسان چگونه می خواهی گل سرسید این جهان باشی!

حیات انسانی شکوفا شدن گلهای عقل و خرد و ملکات برجسته در روح انسان هم چون ایثار و فداکاری است. زیرا ایثار و جانفشانی و گذشت و آمادگی برای شهادت در راه خدا به ما می آموزد، که با پیمودن مدارج تقوا در مسیر انسان کامل قرار گیریم و روز به روز به خدا نزدیکتر

شویم.

گفتنی است در طول زندگی انسان ها مواقع حساسی پیش می آید که حل مشکلات به کمک اصل عدالت به تنهایی امکان پذیر نیست، بلکه نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد، که با استفاده از اصل «احسان» باید تحقق یابد. فی المثل آتش سوزی، طوفان یا سیل و زلزله، بخشی از کشوری را ویران نموده، اگر مردم در چنین شرائطی بخواهند در انتظار آن بنشینند تا با سایر قوانین عادی، مشکل حل شود، امکان پذیر نیست، اینجاست که باید همه کسانی که دارای امکانات بیشتر از نظر نیروی فکری و جسمانی و مالی هستند، دست به فداکاری بزنند، و تا آنجا که در قدرت دارند، ایثار کنند، و گرنه وقایع یا حوادث دردناک، جمع کثیری را به کلی فلج خواهد کرد.

البته در جوامع غربی به این شکل عاطفه انسانی، ایثار، گذشت، فداکاری و مانند اینها مفهومی ندارد و آن چه در مسیر منافع مادی افراد و ملتها نیست محکوم به فنا است. لیکن تأسف آور است برخی در داخل نیز به هنگام بروز مشکلات خود را کنار می کشند و چنین می پندارند که ایثار و فداکاری بر عهده توده های مردم است؛ حال آنکه غفلت از جان محرومان و ترک انصاف وجود و بخشش و ایثار، مورد نکوهش عقل و خرد است.

هم چنین باید گفت برای بقاء یک جامعه، گاه، خدمات بلاعوض لازم دارد، که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد؛ روشنتر بگوئیم: در زندگی هر قوم و جمعیتی روزهایی است که تنها ایثار و فداکاری می تواند حل مشکل کند، و کمک های متقابل مادی در چنین حالتی بی اثر است، بی اثر!

نشانه شناسی ایثار و فداکاری آتش نشانان قهرمان

۱. مرگ اندیشی؛ معادباوری؛ شوق به لقای الهی

بی تردید گذشت، ایثار و فداکاری همه بازناب اعتقاد به زندگی جاویدان در سرای

دیگر است، اگر در تاریخ اسلام و حماسه های جاویدان و شرح ایثارگری های کسانی که با تمام وجودشان در راه پیشبرد آئین پاک اسلام جانفشانی کردند دقت کنیم می بینیم که اسلام در تعلیمات خود این درس بزرگ را به آنها آموخته بود که شهادت در راه خدا و در طریق حق و عدالت به معنی فناء و نابودی و مرگ نیست، بلکه سعادت است و زندگی جاویدان و افتخار ابدی؛ لذا افرادی که چنین درسی را در این مکتب بزرگ آموخته اند پروانه وار می سوزند و قربانی می شوند و افتخار می کنند.

بنابراین انسان ها می توانند به این مقام برسند که ماسوای خدا را فدای پروردگار و خالق کنند و محبوب حقیقی را بر دیگران مقدم دارند، و به قول امام صادق (علیه السلام): «دلیل الحب ایثار المحبوب علی ماسواه؛ و نشان دوستی، مقدم داشتن محبوب بر جز اوست.» که در سر سلسله این افراد، انبیاء و ائمه (علیه السلام) جلوه و درخشندگی خاصی دارند.

اینچنین است که مقام «محسنین» از مجاهدین فراتر است چرا که آنها علاوه بر جهاد و تلاش در راه نجات خود، دارای مقام ایثار و احسانند و برای دیگران نیز تلاش می کند. زیرا تنها بهایی که برای ایثار جان طلب می کنند، همان خشنودی خدا است.

به همین دلیل شهیدان راه «الله» که باید برترین پاداش ها را در برابر آن ایثار بزرگشان دریافت دارند به گواهی قرآن پاداش قرب الهی را می یابند، و تعبیر «عند ربهم» شاهد گویای این واقعیت است.

۲. جان فشانی در قله های ایثار وایمان بدون شک کسانی که در ایمان بر دیگران مقدم می شوند هم شجاعت و آگاهی بیشتری دارند، و هم ایثار و فداکاری فزونتر.

لذا ایمان به علم و قدرت لایزالی که از درون و بیرون انسان بطور یکسان آگاه است و بر آن نظارت می کند، می تواند ریشه نهال های اخلاقی هم چون

«گذشت» و «فداکاری» و «ایثار» را در درون جان انسان پرورش دهد.

ورود همه به منطقه امن «ایمان و خداپرستی و حق طلبی» موجب می شود تا گذشت و ایثار برای خدا و در راه او درخشندگی خاصی داشته و از بارزترین صفات انسانی قلمداد شود، به نحوی که هر کجا ایمان وجود دارد ایثار و عشق و فداکاری و گذشت نیز تجلی خواهد یافت گفتنی است ایمان اسمی و سطحی کافی نیست، بلکه ایمان عمیق و خالص لازم است که بتواند سرچشمه ایثار و فداکاری گردد، زیرا این نیروی ایمان است که وقتی در قلب انسان پیدا می شود بزرگترین قدرت ها در نظرش کوچک، و در برابر سخت ترین مصائب مقاوم، و نسبت به ایثار جان سخاوتمند می گردد.

۳. به یاد جوانان با غیرت آتش نشان

غیرت به صورت صحیح و معتدل و مثبت یک نیروی دفاعی عظیم است که به کمک آن می توان بر بحران ها و پیروز شد، چرا که این نیروی باطنی هنگامی که جان و مال و ناموس و دین و ایمان در معرض تهدید قرار می گیرد بسیج می شود، و تمام نیروهای ذخیره وجود انسان را به حرکت در می آورد، و گاه یک انسان غیور در تحت تأثیر عامل غیرت، نیرویی به اندازه ده انسان پیدا می کند و تا حد ایثار و فداکاری، ایستادگی و پایمردی نشان می دهد.

آیا فداکاری و از خود گذشتگی امکان پذیر است؟

می گویند تمام فعالیت های انسان به منظور به دست آوردن یک رشته منافع مادی و روحی و یا دفع ضرر از ناحیه جسم و روان صورت می گیرد با توجه به این اصل چگونه می شود که برخی از کارها یک نوع ایثار و فداکاری و جانبازی و از خود گذشتگی شمرده می شود؟

این پرسش را می توان از دو راه پاسخ داد:

۱- مقصود از «ایثار» و «فداکاری» این



کند و در این حال فقط همان یک مصیبت را تحمل کند.

دوم اینکه جزع و بی تابی کند که در این حال گرفتار دو مصیبت می شود. زیرا جزع موجب می شود که اجر مصیبت از بین برود که خود، مصیبت دومی است. یا اینکه بر اثر بی تابی گرفتار بیماری هایی همچون افسردگی، ضعف اعصاب، کج خلقی، بی حوصلگی و مانند آن می شود که اینها خود مصیبت دیگری است. اینکه در حدیث آمده است که در صورت جزع دو مصیبت گریبانگیر انسان می شود یعنی حد اقل مصیبتی که به سراغ انسان می آید دو مصیبت است. گاه انسان بر اثر بی تابی به بیش از دو مصیبت مبتلا می شود.

خداوند در قرآن می فرماید: الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ یعنی کسی که در مصیبت صبر می کند صلوات و رحمت خداوند بر او نازل می شود که اجر بسیار والایی است.

سخن آخر

در خاتمه به همه مصیبت دیدگان واقعه پلاسکو تسلیت می گوئیم و دعا می کنیم خدا مشکلاتشان را حل کند.

مسئولان هم علاوه بر ابراز همدردی، باید فکر جبران خسارات را تا آنجا که ممکن است داشته باشند؛ هم چنین اگر ساختمان های مشابه در تهران هم داریم باید فکری شود تا از بروز حادثه مشابه در این ساختمان ها جلوگیری شود. ساختمان هایی که فرسوده است باید محکم کاری شود تا از چنین حوادثی که در نوع خود کم سابقه یا بی سابقه است، جلوگیری شود.

خداوند!! توفیق ایثار و فداکاری در طریق آئین پاکت به ما مرحمت کن. آمین یا رب العالمین.

است که انسان کاری را بدون «چشم داشت» و انتظار عوض از فرد یا جامعه انجام دهد. به عنوان نمونه مردی که از کمک به نابینایان خوشحال و شادمان می گردد، اگر چه این کار، او را از ضربات شکننده وجدان آزاد می سازد و به زندگی او نشاط و شادی می بخشد، اما چون او در این کار محرک مادی و سود دنیوی ندارد و حس مقابله و معاوضه او را بر این کار وادار نساخته است، از این نظر، چنین کاری از نظر عقل و شرع، عملی شایسته و ایثار و فداکاری شمرده می شود.

۲- عشق به چیزی و یا به کسی گاهی به جایی می رسد که انسان غیر آن چیز و یا آن کس را فراموش می کند و خویشستن و منافع خویش را به دست فراموشی می سپارد در این جاست که غیر از محبوب و یا مقصد، چیزی را نمی بیند و جز هدف مقدسش، چیزی را نمی شناسد.

کلام نورانی امام هادی(علیه السلام) خطاب به مصیبت دیدگان

امام هادی علیه السلام در حدیثی می فرماید: «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلْجَازِعِ اثْنَتَانِ؛ کسی که در مقابل مصیبت صبر کند او فقط یک مصیبت دارد ولی کسی که جزع و بی تابی می کند مصیبت او تبدیل به دو مصیبت می شود».

دنیا چه بخواهیم و چه نخواهیم با مصائبی آمیخته است و همواره چنین بوده است. مسائل ناخوشایندی که پیش می آید گاهی جنبه ی مالی دارد مثلا فرد ورشکست می شود و یا اموال و املاکی که مدت ها برایش زحمت کشید در آتش می سوزد.

گاه مصیبت جانی است مثلا عزیزی از دست می روند و یا بیمار و مجروح می شوند، اعضای را از دست می دهند و این اتفاقات گاه برای خود انسان می افتد.

حال در مقابل مصائب، انسان دو گونه می تواند عکس العمل نشان دهد:

اول این است که تا آنجا که می تواند صبر

معضل اشتغال

حسین حبیب الهی

چکیده: مسئله اشتغال در کشور ما در حال تبدیل شدن به یک فاجعه ملی و سیلی خانمان بر انداز است حرکتی که از گذشته دور به صورت خزنده آغاز شد و در حال حاضر در سراسری قرار گرفته و فرهنگ، دین، تمدن، خانواده و روش و منش جامعه را متأثر نموده و بدنبال خود می برد، به صورتی که هم اکنون اثرات و عوارض آن را در اموری همچون آمار طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، متوقف شدن امر ازدواج رسمی در قشری از افراد جامعه، دین‌گریزی، اخلاق‌گریزی، شکل گرفتن خانه‌های مجردی دسته جمعی در تهران و بعضی از شهرستانها، فساد و فحشا در قالب قرار دادهای خاص آشکار و پنهان، ظاهر شده و می‌توان در جامعه مشاهده کرد. مسئله اشتغال در کشور ما در حال تبدیل شدن به یک فاجعه ملی و سیلی خانمان بر انداز است حرکتی که از گذشته دور به صورت خزنده آغاز شد و در حال حاضر در سراسری قرار گرفته و فرهنگ، دین، تمدن، خانواده و روش و منش جامعه را متأثر نموده و بدنبال خود می برد، به صورتی که هم اکنون اثرات و عوارض آن را در اموری متوقف شدن امر ازدواج رسمی در قشری از افراد جامعه، دین‌گریزی، اخلاق‌گریزی، شکل گرفتن خانه‌های مجردی دسته جمعی در تهران و بعضی از شهرستانها، فساد و فحشا در قالب قرار دادهای خاص آشکار و پنهان، ظاهر شده و می‌توان در جامعه مشاهده کرد. عوامل مختلفی در به وجود آمدن این شرایط دخالت دارند.

اما عامل اول و اصلی این مسئله ورود بی رویه بانوان گرامی به بازار کار و تحصیل در سطح وسیع است، امروزه اگر به تمامی ادارات دولتی و مراکز خصوصی، شرکت‌ها، کارخانجات، فروشگاه‌ها و... سرکشی کنید خواهید دید که خانم‌ها اکثر فرصت‌های شغلی را بدست آورده‌اند اگر به این مجموعه تشکیل‌دهنده‌ی آنها و شرکت‌های اقتصادی و دفاتر و کالت و ثبت اسناد را که توسط خانم‌ها

تأسیس و اداره می‌شود اضافه کنیم، متوجه می‌شویم که خواهران محترمه به سرعت در حال پیشروی به سوی در اختیار گرفتن بازار کار ایران هستند، آمار نشان می‌دهد که بیش از ۶۰٪ از مراکز علمی کشور به خانم‌ها اختصاص یافته است. در واقع تحصیل و اشتغال زن امر نامطلوب و خلافی نیست بلکه رها شدن این مسئله مهم به حال خود و عدم مدیریت و برنامه‌ریزی برای آن وضع را به اینجا رسانده است.

امید است با توجه و عنایت ویژه نسبت به این امر و تشکیل کارگروه‌های تخصصی در حوزه و دانشگاه و بررسی دقیق و همه‌جانبه آن این موضوع در دستور کار قرار گیرد. مقاله حاضر تلاشی است در راستای تحقق این هدف.

در مورد مسئله اشتغال و مشکلات و چالشهای آن و راه حل برون رفت از این معضل بزرگ، گاه و بیگاه مطالبی منتشر می‌شود ولی باید توجه داشت که در نظام اسلامی بعضی از نابسامانی‌ها و مشکلات بزرگ، عادی و طبیعی نیست. بلکه بر اثر سیاستها و برنامه‌های نادرست به وجود آمده، که تنها راه حل این معضلات، اصلاح همان سیاستهای غلط است که سالها در حال اجرا بوده و هست.

یکی از بزرگترین گرفتاریهای جامعه، دولت و کشور ما که بسیار ریشه دار و عمیق است و به همراه خود معضلات بزرگتری همچون مسئله طلاق، زوال خانواده، فساد، فحشاء و... را یکدک می‌کشد مسئله اشتغال و بی‌کاری است.

ابتدا اصل مسئله و علل و عوامل به وجود آورنده آن را مطرح می‌کنیم سپس راهکاری برای درمان قطعی آن ارائه خواهیم نمود. اشتغال از ارکان اصلی و زیربنایی هر جامعه و نظامی است. و نوع و چگونگی آن در هر جامعه بستگی به عواملی همچون:

- ۱- نوع حکومت و اهداف آن؛
- ۲- مذهب و فرهنگ جامعه؛
- ۳- امکانات و موقعیتهای مادی و معنوی جامعه دارد.

بر این اساس مسئله اشتغال برای هر نظام و کشور معنای خاص خود را دارد و برنامه و طرح مخصوص به خود را می‌طلبد.

و هیچ کشوری نمی‌تواند بدون توجه به

خصوصیات و شرایط خاص خود در مسئله اشتغال، از کشور و برنامه‌ای تقلید نموده و الگوگیری نماید.

حال به مواردی که امر اشتغال را در کشور ما از روند طبیعی خود خارج نموده و آن را به چالشی بزرگ برای دولت و ملت تبدیل نموده اشاره می‌کنیم و بعد دلایل آن را بر می‌شماریم:

۱- ورود بی‌رویه بانوان ایرانی به بازار کار و اشتغال؛

۲- عدم هماهنگی در پرورش نیروهای تحصیل کرده با نیازهای جامعه.

متأسفانه در گذشته بعضی موضوع آزادی زن در انتخاب شغل و ورود به بازار کار را بر مصلحت زن و نظام و کشور ترجیح دادند و با تبلیغات گسترده سبب شدند که اشتغال بیرون از منزل نوعی ارزش و تعالی برای زن قلمداد شود و به دنبال آن هجوم دختران و زنان به سوی مراکز علمی و آموزشی برای بدست آوردن شغل و موقعیت اجتماعی آغاز شد.

با ورود گسترده زن در تمامی زمینه‌های اشتغال در حقیقت پنجاه درصد بر صف نیاز به اشتغال در کشور افزوده شد.

که این حرکت عواقب بسیار شوم و عظیمی را به دنبال داشت که به موارد محدودی از آن اشاره می‌کنم:

۱- با ورود هر یک زن به بازار اشتغال یک فرصت کاری از مرد گرفته شد (مردی که بر اساس قوانین اسلامی موظف به تأمین مخارج زن می‌باشد)

۲- ساختار فرهنگی جامعه اسلامی ایرانی دچار دگرگونی‌ها و تغییرات ناخواسته‌ای شد.

۳- با شاغل شدن یک مرد، یک زن نیز تحت پوشش قرار می‌گرفت و خانواده تشکیل می‌شد که در حقیقت اشتغال یک مرد یعنی اشتغال دو یا چند نفر از افراد جامعه؛ که با این عمل راه این مسیر طبیعی و معقول سد شد.

۴- زن شاغل در عین حال که یک فرصت شغلی را اشتغال کرده بود، دیگر به سادگی زیر بار ازدواج نمی‌رفت و با اتکاء به موقعیت اجتماعی و درآمد خود، آزادی را به پذیرش مسئولیت خانواده ترجیح می‌دهد.

۵- یک زن آزاد در جامعه برای تأمین نیازهای عاطفی و... مشکلاتی را برای خانواده‌ها و افراد جامعه به وجود می‌آورد.

۶- زن شاغل در مواجهه با کمترین مشکل در خانواده، تن به طلاق می‌دهد.

۷- از جمله دیگر عواقب این کار که در جای خود نیاز به بحث و بررسی دارد بالا رفتن سن ازدواج، پائین آمدن آمار ازدواج، بالا رفتن آمار طلاق، ایجاد فقر، فساد و فحشاء... می‌باشد.

۸- با ورود بی‌رویه بانوان گرامی ایران زمین به بازار کار، پایه‌های خانواده گرم و با شکوه ایرانی، که زن مدیر آن است سست شده و از جهات عدیده‌ای ضربه می‌خورد و سبب از هم گسیختگی اجتماعی می‌شود. و بیشترین خسارت و زیان از این ماجرا نصیب زن می‌شود.

تحقیق و بررسی این موضوع و پرداختن به جزئیات آن نیاز به وقت و حوصله زیادی دارد که در اینجا فقط جهت اطلاع به مواردی از آن اشاره می‌شد.

تحقیق در اینکه زن شاغل چه چیز به دست آورده و چه چیزهایی را از دست داده و بعد از ورود به سن میان‌سالی و بازنشستگی در چه شرایطی قرار خواهد گرفت و جامعه در آینده با حضور کثیری از این خانمهای بی‌کس و بی‌پناه، گرفتار چه عواقبی و بحرانیهای خواهد شد، مسائلی است که در جای خود باید به آن توجه شود. در فرهنگ اسلامی ایرانی ما، زن مدیر خانواده و در مقام ساخت و پرورش انسان و پشتیبان روحی و عاطفی مرد است. و عامل آرامش و سکونت جامعه که به دلیل این‌مقام و موقعیت نیازهای اقتصادی او از ابتدا تا آخر عمر تضمین شده تا بتواند بدون دغدغه این مسئولیت بزرگ را به انجام رساند.

در رابطه با اشتغال زن دو مسئله با هم مخلوط شده و بسیاری را به اشتباه وا داشته. یکی: آزادی زن در انتخاب شغل و ورود به بازار کار.

دوم: مصلحت جامعه، نظام اسلامی و زن

درست است که زن در انتخاب شغل آزاد است و می‌تواند هر شغلی را برای خود برگزیند اما این موضوع به این معنا نیست که دولت موظف باشد به هر قیمت که شده بستر این کار را فراهم نماید و بر اساس خواسته زن برنامه‌ریزی کند.

دولت نیز آزاد است که با در نظر گرفتن مصلحت کل جامعه و ضرورتها و نیازها، اقدامات لازم را انجام دهد و بر اساس قانون و مبانی اسلامی و خیر و صلاح نظام تصمیم‌سازی و عمل نماید لذا در جایی که اشتغال و تحصیل زن در بسیاری از رشته‌ها به صلاح کشور و جامعه نیست باید بطور جدی از آن ممانعت به عمل آید.

اگر به وضع موجود کشور توجه کنیم، خواهیم دید که شوق و انگیزه برای بکارگیری زن و بخصوص دختران جوان به دلایل خاص خود (به خصوص ارزانی دستمزد) به صورت روز افزون در حال افزایش است. به گونه‌ای که استخدام زن در تمام ادارات و مراکز خصوصی و دولتی در اولویت قرار گرفته و هر جا که فرصت شغلی و کار در هر زمینه‌ای وجود داشته باشد زن در اولویت است. حتی بسیاری از کارخانجات و مراکز دولتی و خصوصی با اخراج و یا باز خرید کارمندان مرد به صورت گسترده زن را جایگزین مرد می‌کنند، که اگر آمار صحیح در این رابطه گرفته شود موضوع روشن خواهد شد، که در صد خانمهای شاغل نسبت به مرد‌ها به چه میزان رسیده وقتی به موارد بالا تشکیل‌تعاونی‌ها توسط خانمهای تحصیل کرده مجرد و دریافت وامهای کلان و راه‌اندازی بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ و کوچک اقتصادی را اضافه کنیم، این موضوع روشن می‌شود که جامعه ما خواسته یا ناخواسته به صورت شتاب زده به سوی از هم

گسیختگی اجتماعی و استقلال زن از مرد و مرد از زن پیش می‌رود که این امر یعنی استقلال زن از مرد مخالفت با اهداف خلقت و دستورات صریح اسلام است و چنانچه به این موضوع رسیدگی فوری و حساب شده و قانونمند نشود بحران‌های عظیم اجتماعی که قابل پیش‌بینی است قابل کنترل نخواهد بود.

حال چه باید کرد؟ در اینجا به مواردی از راهکارهای اولیه در برون رفت از این شرایط اشاره می‌کنم:

۱- همانگونه که با تبلیغات و فرهنگ‌سازی در فیلمها، سریالها و... اشتغال زن بناحق در جامعه به صورت یک ارزش وانمود شد، و جامعه آن را پذیرفت حال باید با تبلیغات و بیان حقایق در قالب فیلم، سریال و... معضلات واقعی زنان شاغل و ارزش زن در امر

شهر داری و پرورش فرزند و کانون خانواده به جبران اشتباهات گذشته پرداخت.

۲- بایستی به صورت جدی و مبنایی دستورات اسلام را در موضوعات فقهی، اخلاقی، اجتماعی، حکومتی، اصل و اساس تصمیم‌سازی‌های و حرکت‌های اجرایی قرار گیرد.

۳- همانگونه که جهت تحصیل و اشتغال بانوان از لحاظ بودجه امکانات و فضاهای کاری و آموزش بستر سازی شد باید با اعطای امتیازات تشویقی به زنان خانه‌دار و فرزند دار و سلب امتیازات از بانوان مجرد و ایجاد محدودیت‌های قانونی و حقوقی در دریافت وام غیره برای تغییر روند کار حرکت کرد.

۴- دولت به عنوان مدیر و بر نامه ریز جامعه مورد قبول همگان می‌باشد و مردم تابع تصمیمات و برنامه‌های آن هستند و چنانچه با صداقت و مدیریت صحیح وارد کار شود به حول و قوه الهی خواهد توانست اشتباهات و چالشهایی که در گذشته به وجود آمده و ریشه دار است را تا حدودی جبران کند و شرایط را به وضع مطلوب برساند ان شاء الله.

در نهایت بایستی با بررسی همه جانبه موضوع اشتغال و زمینه‌ها و فرصت‌های موجود در کشور با بر نامه ریزی دقیق و حساب شده مسئله اشتغال را در سطح خرد و کلان مدیریت نمود و مرحله به مرحله آن را تا رسیدن به وضع مطلوب به پیش برد.

و الا با تزریق پول و کارهای سطحی و مقطعی مسئله اشتغال که در حقیقت مادر همه مسائل است به سامان نمی‌رسد.

مسئله اشتغال در کشور ما در حال تبدیل شدن به یک فاجعه ملی و سیلی خانمان بر انداز است حرکتی که از گذشته دور به صورت خزنده آغاز شد و در حال حاضر در سراسری قرار گرفته و فرهنگ، دین، تمدن، خانواده و روش و منش جامعه را متأثر نموده و بدنبال خود می‌برد، به صورتی که هم اکنون اثرات و عوارض آن را در اموری همچون آمار طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، متوقف شدن امر ازدواج رسمی در قشری از افراد جامعه، دین‌گریزی، اخلاق‌گریزی، شکل گرفتن خانه‌های مجردی دسته جمعی در تهران و بعضی از شهرستانها، فساد و فحشا در قالب قرار دادهای خاص آشکار و پنهان، ظاهر شده و می‌توان در جامعه مشاهده کرد.

سیری در کتاب
«پیدایش مذاهب»

اثر ارزشمند حضرت

آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)



در عصر و زمانه ای به سر می بریم که تضارب آراء و اندیشه ها در دوران اوج تکنولوژی ارتباطات، همگان را بر آن می دارد تا با تلفیق هنرمندانۀ اندیشه و رسانه، بتوانند عقاید و گزاره های معرفتی خود را در جهان ارائه کنند و از این طریق زمام امور و ابرقدرتی دنیا را بر عهده گیرند، لیکن برای تحقق این مهم علاوه بر بازتولید معارف دینی و بومی، معرفت شناسی دقیق آموزه های فکری دیگر مناطق جهان و نیز تئوری ها و فرضیه های غیر بومی نیز مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد، زیرا سعی و تلاش قدرت های استکباری این است که با پیوند آموزه های استکباری با برخی مفاهیم و آموزه های دینی در راستاری تحریف حقیقت علل گرایش به مذهب حرکت کنند، لذا مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله) باهدف مقابله فکری و علمی با تحریفات موجود به تبیین و پاسخگویی به شبهات در این زمینه پرداخت تا با روشننگری و ابطال فرضیه های مادی گرایان در علل گرایش به مذهب، حقیقت فطری گرایش به مذهب در جوامع بشری بیش از پیش آشکار گردد. که

در آن صورت می توان مدعی گردید بازتولید معارف اسلامی و مقابله عالمانه با اندیشه های جوامع مارکسیستی و لیبرالیستی، ما را به هدف مطلوب و نهایی رهنمون خواهد کرد.

اینچنین است که نویسنده فرهیخته کتاب پیدایش مذاهب با هدف باز شناسی و بازتولید معارف اسلامی و تبیین علل چرایی گرایش به مذهب و نیز تشریح تأثیر دین در حیات انسانی، در صدد برآمده است تا با رصد دقیق اقوال و افکار «جامعه شناسان»، «روانشناسان»، «فلاسفه»، «مورخان» و حتی «دانشمندان اقتصادی»، عوامل انگیزه و گرایش به مذهب و دین را مورد واکاوی دقیق قرار دهد که در ده فصل به زیور طبع آراسته شده که عبارتند از:

۱- عوامل اقتصادی استعماری. ۲- عوامل اقتصادی ضد استعماری. ۳- نیازهای اخلاقی و اجتماعی. ۴- جهل و بی اطلاعی از اسرار طبیعت. ۵- ترس از عوامل وحشتناک طبیعی. ۶- عوامل جنسی. ۷- عقیده به وجود روح. ۸- اعتقاد به بخت و شانس. ۹- فطرت انسانی و کشش درونی و ذاتی او (درک عاطفی). ۱۰- مطالعه اسرار هستی و نظام آفرینش (درک عقلی).

بدیهی است مؤلف آن اثر ارزشمند در راستای تجمیع و تبویب فرضیه های موجود در جهان، در تبیین مهمترین عوامل گرایش به مذهب و دین، جنبه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری، فلسفی، علمی، خرافاتی و روانی را مورد نظر قرار داده است که هر کدام از گزاره های مذکور در کتاب پیدایش مذاهب به تفصیل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

گفتنی است مولف دانشمند این اثر، در فرازهای ابتدایی کتاب، با استناد به اقوال جامعه شناسان و مورخان مبنی بر وجود سبقة تاریخی دین گرایي به قدمت تاریخ بشر و در میان عموم جوامع بشری، ظرفیت های بی بدیل گرایش به دین و مذهب حتی در میان جوامع مارکسیستی را، علیرغم مخالفت های دین ستیزانه دولت های کمونیستی، مورد توجه قرار می دهد.

۱. فرضیه عوامل اقتصادی (دین افیون توده ها) معظم له در تبیین یکی از فرضیه های رایج در علل گرایش به دین و مذهب، دیدگاه

قائلان به فرضیه عوامل استعمار اقتصادی مورد اشاره قرار داده است .

طرفداران این عقیده بر آنند که طبقه استعمار کننده عامدانه مذهب را پدید آورده است تا دین به عنوان مخدر عمل نماید و از این طریق مقاومت توده های استعمار شده در هم شکند.

در این میان گرایش های مارکسیستی و تمرکز بر مقوله تولید نظریه «اقتصاد سرچشمه اصلی همه مسائل اجتماعی»، به نحوی است که سیاست، فرهنگ، علم، فلسفه و حتی مذهب را صرفاً به عنوان ابزاری برای ارتقای تولید می نگرند و با طرح رهبانیت مذموم و دنیا گریز، مذهب را افیون توده ها می نامند و از آن به عنوان مُسکّن و التیام بخش شکست ها و رکود و عقب ماندگی بهره می جویند.

مؤلف آن اثر فاخر با نقد مبسوط این نوع نگرش مارکسیستی، از طریق بهره گیری تفصیلی از آیات و روایت، در راستای روشننگری نسبت به مبانی الحادی مارکسیسم حرکت کرده است و در نهایت بر این نکته تأکید می ورزد که بر خلاف صاحبان ایده مارکسیستی و مادی گرایان که غالباً جبری اند و سرنوشت تحمیلی را برای بشر متصور می شوند، لیکن «سرنوشت ملتها و پیروزی و شکست آنها معلول قضا و قدر جبری نیست، بلکه معلول مجاهدتها و یا سستی و تنبلی، خود آنهاست».

نویسنده آن اثر فاخر در ادامه از مادگیری به عنوان پایه فلسفه و مکتب مارکسیسم و از تأثیر پذیری همه مولفه های جامعه صرفاً از سیستم اقتصادی، به عنوان مهمترین مولفه این مکتب فکری در گرایش به جبرگرایی یاد می کند.

۱،۱ دین گرایي در پر تو رهبانیت؟!

برخی اندیشمندان غربی رهبانیت و دنیا گریزی را به عنوان علل گرایش به مذهب معرفی کرده اند لذا مؤلف این اثر در آغاز با تبیین چستی رهبانیت، واکاوی خواستگاه فکری آن، تبیین انگیزه های این پدیده اجتماعی، تشریح پیامدها و مخاطرات رهبانیت و در نهایت چگونگی مبارزه اسلام با این اندیشه فکری نادرست به این مسأله راهبردی رهنمون شده است که اصولاً

مسأله ای به نام رهبانیت نه در اسلام وجود دارد و نه در مسیحیت اصلی وجود داشته است، و وجود آن در مسیحیت تحریف یافته، دلیل بر استعماری بودن این نوع مذهب آمیخته با خرافه است و به طور کلی نمی تواند مقیاسی برای ارزیابی انگیزه مذاهب، گردد.

تبیین دقیق نسبت قضا و قدر و جبر و تحمیل از جمله نکات مهم و کلیدی این فراز از کتاب است که مخاطب را با نگاه مترقی اسلام اصیل به این گونه مسائل بیش از پیش آشنا می سازد.

۲،۱ حقیقت زهد در آموزه های اسلامی

نویسنده کتاب پیدایش مذاهب، رهبانیت مذموم و بی اعتنا به زندگی در حیات انسانی که به وفور در آموزه های غربی به ویژه مسیحیت به چشم می آید مورد نقد و بررسی قرار داده است و با بهره گیری از قرآن و حدیث مفهوم دقیق زهد سازنده را که به معنای «عدم وابستگی و عدم حکومت و اسارت در چنگال ماده است» مورد توجه قرار داده است.

لذا پیوند زهد با نفی تجمل گرایی و تبیین تأثیر شگرف زهد و وارستگی پیشوایان بر محرومان جامعه و ضرورت زهدگرایی در میان مسئولان برای «اجرای حق و عدالت و انجام وظایف و مسئولیتهای اجتماعی»، مفهوم واقعی زهد و تفاوت های آشکار میان زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی را بیش از پیش هویدا کرده است.

۳،۱ صبر و شکیبایی عامل گرایش به مذاهب!

تحریف معنوی مفاهیم مذهبی از جمله راهبردهایی است که منحرفان برای علل گرایش مردم به مذهب مود استفاده قرار داده اند، لذا تغییر مفهوم صبر به معنای ظلم پذیری از جمله انحرافات آشکار در مفهوم شناسی صبر و شکیبایی به شمار می رود؛ زیرا صبر یک مفهوم به تمام معنا سازنده در مسائل اجتماعی، تربیتی، معنوی و مادی دارد و نقطه مقابل تخدیر و تسلیم است، و به انسان نیرو می بخشد و او را از مردم بی نیاز می کند.

۴،۱ تقیه راهبردی کار آمد برای استکبار ستیزی یا تخدیری برای دین گرایي؟!

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

(مدظله) در ادامه با نفی تقیه به عنوان عامل گرایش به مذهب، این نوع نگرش را در ادامه فرضیه تخدیری دانستن دین بر می شمرد که تبعات پذیرش این نظریه نادرست به بهای پذیرش اسلام سکولار تمام خواهد شد.

ایشان آثار مثبت و سازنده اصل تقیه را به عنوان سپر دفاعی، تقویت مبارزه علیه استکبار، جلوگیری از نابودی نیروی انسانی و حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه تحت زعامت رهبری و پیشوای مکتوب مورد توجه قرار می دهد.

چستی تقیه، تقیه در منابع مذهبی (قرآن و سنت)، فلسفه تقیه، تبیین تقیه در مکتب های مختلف اجتماعی و سیاسی، اقسام و اشکال تقیه و احکام تقیه (تقیه واجب و حرام و ...)، ساختار اصلی این بخش را تشکیل می دهد.

۵،۱ مسأله دعا

مؤلف دانشمند در این بخش از کتاب با بهره گیری از منابع اسلامی به اشکالات سه گانه جامعه شناسان غربی و تشکیک آنان در مقوله دعا پاسخ گفته است هم چنین اهمیت و جایگاه بی بدیل دعا، مفهوم آن، شرایط اجابت دعا و حکمت و فلسفه دعا را مورد بازخوانی و بازشناسی دقیق قرار داده است.

۶،۱ مسأله انتظار

انتظار برای قیام یک مصلح جهانی به امید مبارزه منجی موعود باناسامانی ها، تبعیض ها و بی عدالتی ها مستمسکی برای اندیشمندان غربی فراهم کرده است تا با تحریف مفهوم انتظار به مفهوم مسئولیت گریزی اجتماعی در وهله نخست این مقوله دینی را به عنوان مخدر برای جوامع مذهبی و نیز برای مقابله با جنبش های ضد استعماری به کار گیرند.

لذا نویسنده این اثر در راستای پاسخگویی به این تحریف آشکار دین ستیزان، تشابه ذاتی بین مسأله انتظار و جهاد و مبارزه با دشمن را یادآور شد، که در این بین تبیین اهمیت انتظار در روایات، بیان مفهوم انتظار، انتظار انقلاب محور و تحول خواه و تلفیق آن با مفهوم انقلاب جهانی، زمینه سازی برای ظهور حضرت حجت (عج) و ارائه راهکارهای دقیق در تحقق این مهم، خبط آشکار منحرفان غربی را در این مسأله به خوبی نمایان کرده است.

۷،۱ حقیقت قناعت و توکل در اندیشه دین ستیزان؛ به نام دین گرایي به کام ظلم پذیری

صاحب کتاب پیدایش مذاهب در بررسی مفهوم قناعت و توکل و نیز تبیین حکمت و فلسفه این دو گزاره مهم اسلامی، به مفاهیمی از قبیل نفی وابستگی، خداگرایی، پایداری، حریت و آزادگی، ذلت ناپذیری، بی نیازی روحی و اعتماد به نفس منتج می شود که به عینه نوید بخش ابطال گزاره های انحرافی برخی متفکران غربی در این مقوله به شمار می آید.

۸،۱ نفی رضایت به وضع موجود و تقبیح تسلیم در برابر استکبار

صاحبان نظریه «دین افیون توده ها است» با تحریف مفهوم رضا و تسلیم به رضایت و تسلیم در برابر رویکرد ظالمانه قدرت های استکباری در جهان معاصر، گونه شناسی دیگری از دین تخدیری را به نمایش گذاشته اند، لذا نویسنده این اثر با بهره گیری از معارف غنی اسلامی این نوع نگرش مادی گرایان را مورد نقد قرار داده و بر اجرای دستورها و قوانین اسلامی، تسلیم در برابر اجرای حق و عدالت، ایستادگی در برابر مصائب و مشکلات به عنوان مهمترین شاخصه های رضا و تسلیم مورد تأکید قرار داده است.

هم چنین در فرازهای پایانی بخش اول کتاب «پیدایش مذاهب»، دیدگاه اندیشمندان غربی در تخدیر انگاری سوگواری به ویژه گریه مورد نقد مؤلف گرانقدر قرار گرفته است و نادیده انگاری نقش سوگواری در برانگیختن احساسات و عواطف عمومی بر ضد دستگاه ظلم و جور در میان دین ستیزان مورد تقبیح نویسنده محترم قرار گرفته است.

شفاعت گرایی به جای تلاش و کوشش در انجام رسالت ها و مسئولیت ها نیز از جمله نظریه های عجیب و دور از ذهن اندیشمندان غربی در تبیین عوامل گرایش به مذهب به شمار می آید.

از این رو در ادامه مؤلف اثر با تبیین مفهوم واقعی شفاعت، مدارک شفاعت، شرایط شفاعت، فلسفه شفاعت، بررسی و پاسخ اشکالات، دیدگاه مادی گرایان در تخدیر و خاموش ساختن تلاش و کوشش را نفی کرده است، هم چنین دیدگاه های افراطیون

لذا مؤلف این اثر با تبیین منشأ پیدایش عقیده به بخت و شانس نشان می دهد این نوع نگاه در نهایت به مسئولیت گریزی، تنبلی و تن پروری می انجامد.

هم چنین نگاه خرافی مبنی بر تغییر ناپذیری در اقبال و شانس و محدود بودن این فرضیه و عدم اتکاء ادیان توحیدی به ویژه اسلام به مسأله بخت و طالع... بطلان آشکار این فرضیه موهن را آشکار می سازد.

۹۱۰ فرضیه درک عاطفی و درک عقلی در فرازهای پایانی این اثر گرانسگ، از سوی نگارنده، این پرسش مطرح می شود که آیا قطع نظر از نیازها به خصوص نیازهای مادی واقعیتی به نام مذهب وجود دارد که از طریق «خرد» و «احساسات و درک غریزی» به آن دسترسی یابیم؟

از این جهت نویسنده کتاب «پیدایش مذاهب» در بخش پایانی، بر خلاف رویکرد اندیشمندان غربی که وجود ذهنی برای دین متصور شدند و در پی شناسایی عوامل گرایش دین بودند، با طرح این پرسش، مذهب را به عنوان یک واقعیت خارجی و عینی مطرح کرده است.

از نگاه مولف تلفیق خرد (درک عقلی) و احساسات درونی (درک عاطفی)، حس دینی را پدید می آورد که از اصالت و استقلال مطلق برخوردار است.

لذا تبیین مذهب و درک عقلی با مولفه هایی از قبیل نظم و هدف در انسان های نخستین، رابطه نظام و علم، نظام جهان نزد انسان های نخستین قابل تحلیل و بررسی است.

گفتنی است تألیف این اثر برجسته توسط حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و با همکاری و به تنظیم حجج اسلام، مسعود مکارم و محمدرضا حامدی، در یک جلد و در ۲۹۶ صفحه، در قطع وزیری توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام به زیور طبع آراسته شده و در سال ۱۳۸۷ برای اولین بار منتشر شده و تا کنون نیز چندین مرتبه تجدید چاپ شده است.

گرای، آثار بی بدیل دین و مذهب در غلبه بر ترس، جابجایی اثر و انگیزه، لزوم تفکیک میان مذاهب ساختگی و مذاهب اصیل و تفاوت ترس های موهوم و ترس و خوف از خدا و حصول مقام خائفین... مبطل قول قائلان به فرضیه ترس به عنوان عامل پیدایش مذهب خواهد بود.

۵. فرضیه جهل

برخی اندیشمندان غربی هم چون ویل دورانت، کینگ... جهل بشری را عامل گرایش به مذهب معرفی کرده اند که این نوع نگرش ناصواب منبعت از شعار تضاد علم و مذهب است.

حال آنکه نگارنده، تضاد آشکار این فرضیه با اساسی ترین اصل توحید «برهان نظم» و نیز تسبیح موجودات در پهنه آفرینش را به عنوان مهمترین دلیل در رد این فرضیه موهوم مورد توجه قرار داده است.

۶. فرضیه جنسی

فروید از جمله مهمترین قائلان به نقش آفرینی بی بدیل میل جنسی در گرایش به مذهب به شمار می آید، لذا نگارنده کتاب با دلایل بسیار متقن از قبیل، افق دید محدود و یک بعدی، فقدان ادله کافی، نارسایی های آماری و مشاهدات عینی فروید در این زمینه، غفلت از سهم ادراکات... ضعف و بطلان این فرضیه را روشن می سازد.

۷. فرضیه روحیون

جامعه شناسان مادی گرا هم چون ساموئل کینگ بر این باورند که انسان های ابتدایی، پس از مقایسه حالات مختلف مرگ و حیات، بیداری و خواب به وجود روح پی برده و آن را تعمیم داده و به بت پرستی به شکل وسیع رسیدند.

در این اثر با ذکر دلایلی از قبیل فقدان دلیل منطقی، محدودیت دامنه بحث، تبیین مسأله روح در اسلام، عدم انطباق این فرضیه با مبانی ادیان توحیدی به ویژه اسلام، بطلان آشکار این نظریه به منصفه ظهور می رسد.

۸. فرضیه تقدیر و بخت

برخی جامعه شناسان غربی، گرایش به مذهب را معلول جلوگیری از بدقابلی و تلاش برای تأمین خوشبختی بر شمرده اند.

مذهبی هم چون وهابیت و تکفیری ها در شرک دانستن شفاعت به شدت در این اثر رد شده است، معظم له در تبیین این امر می نویسد: «اگر کسی کار خدا را از غیر خدا بخواهد و او را مستقل در انجام آن بداند مشرک است، ولی اگر از او شفاعتی بخواهد که کار خود او است و خدا به او داده، هیچ اثری از شرک در آن نیست، بلکه عین ایمان و توحید است.»

۲. فرضیه ضد استعماری

مؤلف ارجمند کتاب «پیدایش مذاهب» با رد این ایده برخی اندیشمندان غربی که نیازهای ترقی خواهانه ملت را به عنوان عامل پیدایش مذهب بر شمرده اند، می نویسد: «مسأله مهم این است که باید «اثر» و «انگیزه» را از هم تفکیک کنیم، همیشه آثار یک پدیده نمی تواند دلیل بر وجود آن بوده باشد، به خصوص اگر روی قسمت خاص و معینی از فواید آن انگشت بگذاریم.»

«بلکه مذهب یک ریشه فطری و نهادی و یک دلیل منطقی روشن در جهان هستی و در جزء جزء موجودات این عالم و چگونگی ساختمان آنها دارد». لذا این یک «اثر» است نه «انگیزه» و تمام اشتباه طرفداران این فرضیه در همین قسمت نهفته شده است.

۳. فرضیه نیازهای اخلاقی و اجتماعی

مؤلف با رد قائلان این فرضیه آن را تحریف شده و تخریبی بر می شمرد و نیز انحصار طلبی قائلان این نظریه بدین نحو که آنها «قبل از هر چیز وفاداری خود را به یک اصل بدون دلیل اعلام کرده و کوشیده اند که پیدایش مذهب را در پرتو آن توجیه کنند»، هم چنین خبط جابجایی اثر و انگیزه در این فرضیه، ابطال آن را به عینه اثبات می سازد.

۴. فرضیه ترس

در نگاه بسیاری از جامعه شناسان و اندیشمندان غربی هم چون ویل دورانت، لوکرتیوس، راسل و انیشتین، ترس به عنوان عامل پیدایش زمینه مذهبی معرفی شده است.

حال آنکه در دیدگاه مؤلف، بهره گیری از فرضیه ها به یک سلسله تصورات که از دایره شرح ادعا فراتر نمی رود و نیز القاء عدم وجود منشأ مافوق طبیعی برای مذهب، خرافه

موسسه ۱۱۰ مسجد



آمد تا به کمک محرومان مخصوصاً شیعیان محروم و مظلوم بشتابند، این برنامه هم اکنون به ثمر نشسته و مساجد متعددی در مناطق مذکور ساخته شده و به نام مبارک «الغدیر» یا «أمیرالمؤمنین (علیه السلام)» نامیده شد.

در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۸۵ مؤسسه بطور رسمی و با نام مؤسسه خیریه فرهنگی مسجد ومدرسه ۱۱۰ بشماره ۱۹۷۷۱ در اداره ثبت شرکتها ومؤسسات غیرتجاری تهران با هدف انجام کلیه امور خیریه و عام المنفعه در راستای نشر فرهنگ و معارف اسلامی به ویژه احیاء و ایجاد حد اقل ۱۱۰ مسجد ومدرسه و خانه عالم با سرمایه ۱,۱۰۰,۰۰۰ ریال و تحت مجوز فعالیت به شماره ۳۹۷-۱-۵۱۶ که در

تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۸۶ از نیروی انتظامی اخذ گردید و در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲ مجوز کشوری مؤسسه تحت شماره ۶۷۸۳-۱۳۰۲ که توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

بنای ۱۱۰ مسجد که به مقیاس حروف «بجد» با نام مقدس «علی (علیه السلام)» هماهنگ است در مناطق بسیار محروم کشور مخصوصاً در شرق خراسان و منطقه سیستان و بلوچستان.

سال ۱۳۷۹ که جمع دو عید غدیر در یک سال شمسی به نام سال امیرالمؤمنین (علیه السلام) نامیده شد و مراسم پرشکوهی در این سال در سراسر کشور و حتی در خارج از کشور انجام گرفت، حضرت استاد به فکر انجام یک خدمت ماندگار در این سال افتادند، و همت بر بنای ۱۱۰ مسجد که به مقیاس حروف «بجد» با نام مقدس «علی (علیه السلام)» هماهنگ است گذاشتند.

از جمعی از تجار خیر و افراد نیکوکار دعوت به عمل آوردند و طرح خود را مطرح کردند و آنها هم استقبال نموده، کانونی به همین نام با یک هیئت امنای هفت نفری به وجود

صادر شده است، به ثبت رسید.

عمدتاً، فعالیت ساخت و ساز های مؤسسه در استان های زیر صورت می پذیرد:

- ۱- خراسان ۲- سیستان و بلوچستان
- ۳- کرمان ۴- گلستان ۵- کردستان
- ۶- هرمزگان ۷- لرستان ۸- چهارمحال وبختیاری

این حرکت مایه امیدواری زیادی برای پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) شده است.

لازم به ذکر است که این مساجد در روستاهای محروم و دورافتاده به مقدار نیازشان ساخته می شود و در شهرهای محروم نیز، بزرگتر و در حد نیازشان.

روند حرکت رو به رشد موسسه کما فی السابق ادامه دارد و الحمدلله ساخت مساجد به بیش از ۲۰۰ مسجد و در کنار آن خانه عالم، سرویس های بهداشتی و ... رسیده است.

فایده وجود حکومت در کلام امام علی(علیه السلام)

پرسش: امام علی(علیه السلام) فایده وجود حکومت را در چه چیزی می دانند؟

پاسخ اجمالی: امام علی(علیه السلام) در در تبیین فواید حکومت می فرمایند: «به یقین مردم نیازمند امیری هستند، خواه نیکوکار باشد یا بدکار». سپس می فرماید: «در سایه حکومت مؤمن به کار خویش ادامه می دهد و راه خود را به مقام قرب الی الله می پیماید و کافر نیز دبه زندگی مادی دنیوی خود ادامه می دهد. به کمک او با دشمنان مبارزه می شود و جاده ها امن و امان می گردد و حقّ ضعیفان به کمک او از زورمندان گرفته می شود و... در واقع امام منطق سست طرفداران بی حکومتی را به طور کامل ابطال می کند.

پاسخ تفصیلی: امام علی(علیه السلام) در خطبه ۴۰ نهج البلاغه درباره فایده وجود حکومت می فرماید: (به یقین مردم نیازمند امیری هستند، خواه نیکوکار باشد یا بدکار (اگر توفیق پیروی از حاکم نیکوکاری نصییشان نشود وجود امیر فاجر از نبودن حکومت بهتر است)؛ «وَأِنَّهُ لَا يَدَّبُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ».

سپس به هفت فائده از فوائد و برکات و آثار حکومت اشاره می کند که بعضی جنبه معنوی دارد و بعضی جنبه مادی: نخست این که (در سایه حکومت او مومن به کار خویش ادامه می دهد و راه خود را به مقام قرب الی الله می پیماید)؛ «يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ (۱) الْمُؤْمِنُ». (۲)

دوم این که: (کافر نیز در حکومت او (از مواهب مادی) بهره مند می شود، و به زندگی مادی دنیوی خود ادامه می دهد)؛ «وَوَيْسْتَمْنَعُ فِيهَا الْكَافِرُ».

سوم این که: (خداوند به مردم فرصت می دهد که در دوران حکومت او زندگی

طبیعی خود را تا پایان (در سلامت نسبی) طی کنند)؛ «وَوَيْبُلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ».

چهارم این که: (به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری می گردد). (و هزینه های دفاعی و عمرانی و انتظامی فراهم می شود) «وَوَيُجْمَعُ بِهِ الْفَيْءُ» (۳)

پنجم این که: (به کمک او با دشمنان مبارزه می شود). «وَوَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ».

ششم این که: (به وسیله او جاده ها امن و امان می گردد)؛ «وَوَيُتَأَمَّنُ بِهِ السَّبِيلُ».

و هفتم این که: (حقّ ضعیفان به کمک او از زورمندان گرفته می شود)؛ «وَوَيُؤَخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ».

و در سایه انجام یافتن این وظائف هفتگانه از سوی حکومت این نتیجه نهایی حاصل می گردد که (نیکوکاران در رفاه خواهند بود و از دست بدکاران در امان می باشند)؛ «حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يَسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ».

تاریخ سیاسی جهان، نشان می دهد که در گذشته و حتی در زمان حال اقلیتی بودند که طرفدار نفی حکومت و حاکمیت ها بودند. خوارج نیز از چنین تفکر خام و ناپخته ای طرفداری می کردند، پاسخ آنها را «تاریخ» داده است زیرا با چشم خود دیده ایم و یا شنیده ایم که به هنگام متلاشی شدن شیرازه یک حکومت و قرار گرفتن مردم برای چند روز یا چند ساعت در شرائط بی حکومتی، ارادل و اوباش که در هر جامعه‌های وجود دارند به اموال و نوامیس مردم حمله ور شده، مغازه ها و مراکز تجاری را به سرعت غارت می کنند، نوامیس مورد تجاوز قرار می گیرند و خونهای بی گناهان ریخته می شود، جاده ها ناامن می گردد و تمام فعالیت های مثبت اجتماعی متوقف می شود، دشمنان از هر سو به آن کشور حمله می کنند، بیت المال به غارت می رود، نه مومن در امان می ماند و نه کافر، نه تنها حقّی به حقدار نمی رسد، که تمام حقوق پایمال می گردد، نه آرامشی وجود دارد و نه استراحتی.

بی شک اولین و مهمترین شرط برای زندگی صحیح امنیت و نظم است، سپس وجود افراد نیرومندی است که در برابر دشمنان خارجی و زیاده خواهان داخلی سدّی ایجاد کنند که آن هم بدون تشکیل حکومت و بیت المال و جمع آوری بخشی از اموال عمومی در آن امکان پذیر نیست. حضرت در سخنان پرمعنی بالا به تمام این نکات دقیقاً اشاره کرده است، و منطق سست طرفداران بی حکومتی را به طور کامل ابطال می کند.

در اینجا این سوال پیش می آید که انجام وظائف هفتگانه بالا که از سوی امیر برّ و نیکوکار و عادل مسلم است، آیا امیر فاجر و ظالم نیز می تواند این وظائف را انجام دهد؟ در حالی که در کلام امام (علیه السلام) این وظائف برای هر دو بیان شده است، به گونه ای که نشان می دهد که هر دو توان انجام آن را دارند.

در پاسخ این سوال به این نکته باید توجه کرد: امیر عادل و نیکوکار به یقین این وظائف را انجام می دهد، و اما فاجر به طور کامل نه، و بگونه نسبی آری، چرا که او برای ادامه حکومت خود چاره ای ندارد جز این که نظم را رعایت کند، در برابر دشمنان خارجی بایستد، جاده ها را امن و امان سازد و به طور نسبی جلو ظلم ظالمان را بگیرد، هر چند خود او یکی از ظالمان است. زیرا در غیر این صورت مردم فوراً بر ضدّ او می شورند و دشمنان بر او مسلط می شوند و حکومتش به سرعت به باد می رود، به همین دلیل غالب حکومت‌های ظالم نیز تلاش می کنند امور هفتگانه بالا را تا حدّی رعایت کنند!

از آنچه در بالا گفته شد این نتیجه به خوبی گرفته می شود که هر حکومتی که در انجام امور فوق سستی به خرج دهد در حقیقت فلسفه وجودی خود را از دست داده است! (۴)

حکومت، ودیعه ای الهی

پرسش: نظر اسلام در مورد حکومت حاکمان چیست؟

پاسخ اجمالی: اسلام حکومت را ودیعه الهی در دست زمامدارن، و آنان را نمایندگان خداوند بر روی زمین می داند. مفهوم ودیعه الهی بودن حکومت این است که، حاکمان نباید از هوی نفس پیروی کنند، بلکه باید از دستورات صاحب اصلی حکومت پیروی کنند از این رو خداوند به حضرت داوود(علیه السلام) می فرماید: «ای داود ما تو را خلیفه [و نماینده خود]

در زمین قرار داریم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد». **پاسخ تفصیلی:** حکومت یک ودیعه الهی است؛ و حکام و زمامداران باید به صورت نمایندگان خداوند عمل کنند. مفهوم این سخن لزوم رعایت فرمان و دستوره‌های صاحب اصلی حکومت یعنی خدادر همه زمینه ها است.

خداوند خطاب به داوود(علیه السلام) که دارای یکی از گسترده ترین حکومت های تاریخ بشر بود؛ می فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (ای داود ما تو را خلیفه [و نماینده خود] در زمین قرار داریم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راهخدا منحرف سازد). (۵)

این تعبیر هم ودیعه بودن حکومت را می رساند، و همه راه و رسم و طریق یک حکومت مشروع و سالم و الهی را. (۶)

پی نوشت:

(۱). «إِمْرَةٌ» (بر وزن عبرة) مصدر یا اسم مصدر است، از ماده امر که به معنی فرمان دادن و گاه به معنی حکومت کردن آمده است و إمرة در اینجا به معنی حکومت است.

(۲). واضح است که ضمیر در «إمرته» به مطلق امیر برمی گردد اعم از برّ و فاجر، و همچنین ضمیر در

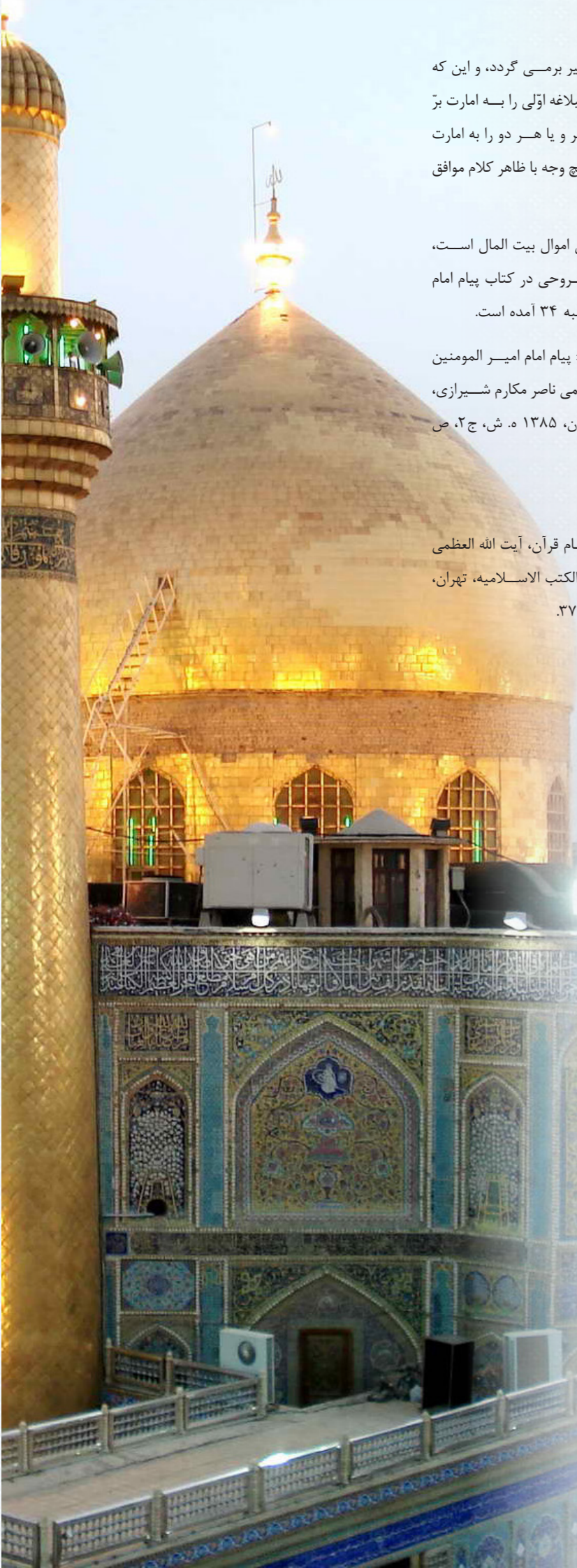
«فیها» به امارت مطلق امیر برمی گردد، و این که بعضی از شارحان نهج البلاغه اولی را به امارت برّ و دومی را به امارت فاجر و یا هر دو را به امارت فاجر بازگردانده اند، به هیچ وجه با ظاهر کلام موافق نیست.

(۳). فیء، در اینجا به معنی اموال بیت المال است، و درباره این واژه بحث مشروحی در کتاب پیام امام علی(علیه السلام) شرح خطبه ۳۴ آمده است.

(۴). گرد آوری از کتاب: پیام امام امیر المومنین علیه السلام، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۵ هـ. ش، ج ۲، ص ۴۳۴.

(۵). سوره ص، آیه ۲۶.

(۶). گردآوری از کتاب: پیام قرآن، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶ هـ ش، ج ۳، ص ۳۷۳.



ورود حکومت و دولت در حریم خصوصی شهروندان

پرسش: آیا بر طبق قانون اساسی و نیز از نظر عقلی، حوزه شخصی و خصوصی شهروندان به حکومت و دولت ارتباط دارد؟

پاسخ: حکومت در زندگی شخصی و خصوصی افراد دخالت نمی کند مگر اینکه ضرورتی اقتضا کند.

قیام های قبل از قیام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

پرسش: آیا این نظر فقهی مورد قبول حضرت تعالی هست که هر شخص باید به امام زمان خود اقتدا کند به اینگونه که امام حسین (علیه السلام) در زمان مولا علی و حضرت امام حسن (علیهم السلام) به این دو امام زمان خود اقتدا کرده و مردم دوره هر امام به امام زمان خود به این علت است که مقام حضرت سلمان از ابوذر بالاتر و حضرت مقداد از سلمان بالاتر زیرا به میزان اقتدا و اطاعت از امام زمان خود دارای درجه ای از ایمان می باشند بنابراین ما باید در زمان غیبت مولا صاحب الزمان به ایشان اقتدا کرده و در پس پرده غیبت سطح فکری فرهنگی مذهبی خود را بالا برده و خود و به طبع مردم و جامعه را آماده ظهور کنیم؟ اگر این نظر را قبول ندارید لطفاً دلایل خود را بیان نمایید؟

با توجه به روایتی از امام صادق (علیه السلام) در مقدمه صحیفه سجادیه که هر قیامی تا قبل از قیام قائم آل محمد بر اندوه ما و شیعیان ما می افزاید و در طوفان بلا هلاک می شود، نظریه فقهی سوال اول تعمیم داده نمی شود زیرا نمونه بارز آن انقلاب ما می باشد که بسیاری از شیعیان در جریان انقلاب و بعد از آن در ۸ سال جنگ به شهادت رسیده و مسلماً قلب مولا صاحب الزمان را به درد آورده و

حال نیز به حقوق اشخاص منتقد تجاوز و به آنان برچسب بی دینی زده می شود که این عمل بدینجا رسیده که خیل عظیمی از مردم دین گریز و بعضاً منکر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شده اند و مطمئناً این نیز قلب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به درد می آورد. آخر این انقلاب چه ثمره ایی داشت برای ما؟ لطفاً منطقیاً جواب دهید؟ اگر این نظریه ها را رد می کنید پس حال که مردم به خیابانها آمده اند کار درستی است؟

پاسخ: ما نیز معتقدیم هر قیامی که به نام مهدی موعود قبل از قیام آن حضرت صورت گیرد محکوم به بطلان و شکست بوده و صاحب آن طاغوت است اما اگر قیامی برای خدا و برای مهیا ساختن زمینه قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیاده شدن اهداف آل محمد (صلی الله علیه و آله) صورت گیرد، مورد تایید بوده و با مسلمات فقهی و احکام امر به معروف و نهی از منکر و... سازگار است.

مفهوم "استیمان" در جمهوری اسلامی

پرسش: خواهشمند است فتوای معظم له را در مورد تعریف و تفسیر کلمه "استیمان" و مصادیق خروج اتباع ایرانی از استیمان حکومت جمهوری اسلامی ایران اعلام فرمایند.

پاسخ: منظور از استیمان آن است که کسی از غیر مسلمین از مسلمانان امان بخواهد و به او امان دهند و باید مانند یک مسلمان با او رفتار کرد و خروج از این حالت زمانی حاصل می شود که او بر خلاف شرایط عمل کند.

مفهوم مصلحت در حکومت اسلامی

پرسش: لطفاً به سؤالات زیر پیرامون «مصلحت» پاسخ فرمایید:

۱- معنای لغوی، اصطلاحی و فقهی مصلحت چیست؟

۲- مصلحت عام یعنی چه؟ معیار و حدود آن کدام است؟

۳- آیا از منظر فقهی و قانونی می توانیم در صورت تعارض بین قانون و مصلحت عام، مصلحت عام را بر قانون ترجیح دهیم؟

۴- صورت فقهی و شرعی اقدامات و اعمالی که واضح، یا مجری قانون بر پایه مصلحت انجام می دهد، چیست؟

۵- آیا حکومت اسلامی می تواند بنا بر مصلحت عام در یک رابطه حقوقی، مانند قرارداد حقوقی، حق و حقوق شناخته شده اشخاص را نادیده انگارد؟ اگر این اقدام را انجام دهد، بر چه مبنایی است؟

۶- در اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مصلحت نظام اشاره شده است؛ معیار قانونی و حدّ و حدود و تعریف این مصلحت چیست، و با چه مبنایی شناخته می شود؟ آیا این مجمع می تواند بر پایه این مصلحت، قانونی را نسخ یا وضع نماید؟

پاسخ: مصلحت در فقه اهل سنت مفهومی دارد، و در فقه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) مفهومی دیگر. آنچه از نظر فقه شیعه قابل توجیه است، در سه محور خلاصه می شود:

اول: آنچه مربوط به حفظ نظام و حکومت اسلامی است.

دوم: حفظ نظم جامعه؛ بر اساس این دو نوع مصلحت بسیاری از احکام مستحدثه شکل می گیرد؛ زیرا حفظ نظام و حفظ نظم جامعه از مهمترین اهداف اسلام است، که انحراف از آن جایز نیست.

سوم: آنچه مربوط به تعارض اهمّ و مهمّ است؛ یعنی هرگاه دو مصلحت که مورد توجّه و قبول فقه اسلام است، در مقابل یکدیگر قرار گیرند، باید مصلحت اهمّ را ترجیح داد و مهمّ را فدای آن کرد.

برای مثال در قسمت اول، می توان مسائل مربوط به انتخابات، شرایط ویژه رئیس جمهوری، و نمایندگان و انتخاب کنندگان را در نظر گرفت. و در قسمت

دوم، مسائلی مانند نظام بانکداری، و بخش مهمّی از نظام پولی، و مسائل اقتصادی امروز را، به عنوان مثال می توان ذکر کرد. و در قسمت سوم محدود کردن پاره ای از معاملات، و صادرات و واردات کشور، که سلطه مردم را بر اموالشان محدود می سازد، ولی اهداف مهمّی را احیا می کند، مثال خوبی است.

نقش مردم در شکل گیری حکومت دینی

پرسش: نقش و میزان مشارکت مردم در شکل گیری حکومت دینی در نصوص قدسی، چگونه تعیین و تبیین گردیده است؟

پاسخ: مردم به عنوان حامیان حکومت، و بازوهای دولت اسلامی، و نیز به عنوان نظارت، و امر به معروف و نهی از منکر، و نصیحت و ارشاد، در حکومت نقش دارند.

علت الزام حجاب برای مسافران خارجی

پرسش: همانطور که می دانیم خداوند متعال در سوره نور، حجاب را مختصّ مؤمنان، زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و زنان مؤمنین دانسته است. حال سؤال این است که: ۱- آیا حجاب برای غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی واجب است؟ ۲- اگر واجب است، همانطور که در فرانسه و ترکیه بر اعتقادات اسلامی ما می تازند، و ما آنها را ظالم و ضدّ اسلام می دانیم، آیا ما هم با پوشاندن زنان خارجی که به ایران می آیند و یا پیروان سایر مذاهب داخل کشور، به آنها اجحاف ننموده ایم؟ ۳- اگر حجاب اختیاری بود، بهتر نبود، و معضلات اجتماعی حلّ نمی شد؟

پاسخ: یک اصل مسلم در اسلام داریم که هر حکمی برای مومنین و مسلمانان ثابت است، دیگران نیز مکلف به آن هستند (الکفار مکلفون بالفروع کما أنّهم مکلفون بالاصول)، بنابراین آنها هم موظف به حکم حجاب و ترک شرابخوری (حدّ اقلّ آشکارا) و گناهان دیگر هستند، و نسبت

به حجاب که ما می توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه ای است، و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش نکرده ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد چه زنانی با چه وضعی بیرون آمدند و اکثر جوانان را به فساد کشیدند؛ و نوشته اید که اگر ما به کشورهای آنها برویم و ما را اجبار به بی حجابی کنند، چه می شود؟ فراموش نکنید که آنها بی حجابی را واجب نمی دانند، در حالی که ما حجاب را واجب می دانیم.

جزیه گرفتن از زنان و اطفال اهل کتاب

پرسش: آیا در فقه شیعه، جزیه گرفتن از زنان و اطفال و سالمندان اهل کتاب جائز هست؟ به طور کلی، از ما بین اهل کتاب، برای چه کسانی جزیه دادن لازم نیست؟

پاسخ: جزیه گرفتن از تمام آنها جایز است مگر اینکه منشا آثار نامطلوبی شود در ضمن بدانید جزیه غالباً مبلغ مختصری است و در برابر آن حکومت اسلامی دفاع از جان و مال و ناموس آنها را به عهده دارد.

اجباری کردن حجاب

پرسش: آیا اجباری کردن حجاب از خصوصیات یک حکومت اسلامی است؟

پاسخ: حکومت اسلامی موظف است از گناهان علنی جلوگیری کند.

جلوگیری از ترویج بی حجابی توسط حکومت اسلامی

پرسش: آیا حکومت می تواند، یا بر او لازم است، از بد حجابی یا بی حجابی بعضی از خانم هایی که در این امر مهم کوتاهی می کنند جلوگیری نماید؟ توضیح این که: بنده دانشجو هستم.

چندی قبل استاد در کلاس این شبهه را مطرح کرد، و مدّعی شد که هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که حکومت را ملزم کند تا مواظب حجاب خانم ها باشد، همان طور که وظیفه ندارد مواظب نماز صبح افراد باشد. علاوه بر این گفتند:

حضرت امیر(علیه السلام) دستور دارد که حجاب را از سر کنیزانی که خود را شبیه زنان آزاد کرده بودند، بردارند. نظر شما چیست؟

پاسخ: حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه ای ندارند، ولی بدون شک نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار، در سطح جامعه انجام می شود وظیفه نهی از منکر دارند، و الاّ جایی برای انجام این وظیفه مهم باقی نمی ماند. البته با این تفاوت که مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند، و از هر گونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می تواند وارد این مرحله نیز بشود؛ و در مورد کنیزها اساساً میزان پوشش آنها نسبت به زنان آزاد از نظر اسلام متفاوت بوده است.

شهداء من مات من العشق فقد مات شهيدا

